

بند تجدیدنظر در قیمت در قراردادهای فروش گاز طبیعی (پژوهشی)

مرضیه حسینی *

نوید رهبر **

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2025.2028596.2588

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

چکیده

در حال حاضر، داوری‌های مربوط به شروط تجدیدنظر در قیمت در قراردادهای خرید و فروش گاز طبیعی، از حیث مبلغ مورد اختلاف و میزان خواسته، بالاترین رتبه را در میان سایر دعاوی تجاری بین‌المللی به خود اختصاص داده‌اند. رسیدگی صحیح به این گونه دعاوی مستلزم برخورداری از تخصص و درک عمیق تجاری در کنار دانش حقوقی است. ممکن است، غفلت از این ضرورت به نتایجی فاجعه‌بار و پیش‌بینی‌ناپذیر برای هریک از طرفین منجر شود. بسیاری از اختلافات رخ داده و آرای داوری که از منظر طرفین، نامنتظره و خارج از قصد و اراده ایشان صادر شده‌اند، علاوه بر سایر عوامل مؤثر تجاری، متأثر از وجود ابهام در نگارش و تنظیم بند تجدیدنظر در قیمت نیز بوده‌اند. این پژوهش با رویکردی کاربردی و تحلیلی در پی آن است که با تأمل در رویه داوری‌های موجود و بررسی نمونه‌بند‌های تجدیدنظر در قیمت، ضمن تحلیل چالش‌ها و اختلافات رایج در تفسیر و اجرای این بندها، به مؤلفه‌هایی بپردازد که باید در تنظیم چنین بندهایی برای کاهش ابهامات و اختلافات احتمالی، مورد توجه قرار گیرند. از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ضرورت تصریح قصد و اراده طرفین در خصوص شرایط و اصول حاکم بر قیمت‌گذاری در زمان انعقاد قرارداد و اهمیت حفظ آن در مرحله تجدیدنظر قیمت و همچنین تعیین دقیق فرایند تجدیدنظر در قیمت از حیث معیارهای محرک، مبنای قیمت تعدیلی و چارچوب صلاحیت و اختیارات داوران در امر تعدیل قیمت. با این حال، باید همواره در تنظیم بند تجدیدنظر در قیمت، تعادلی ظریف میان انعطاف‌پذیری لازم برای مواجهه با شرایط پیش‌بینی‌ناپذیر بازار و ساختار تجویزی بند قراردادی برقرار شود.

* نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
mar_hosseini@sbu.ac.ir

n_rahbar@sbu.ac.ir

** استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران



<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

واژگان کلیدی

قرارداد خرید و فروش گاز، بند تجدیدنظر در قیمت، انعطاف‌پذیری، توازن اقتصادی، معیار تعدیل قیمت، رویداد محرک

مقدمه

دعاوی ناشی از قراردادهای فروش گاز^۱ از اهمیت بسیار بالایی در میان دعاوی تجاری بین‌المللی برخوردارند. اختلافات ناشی از قراردادهای خرید و فروش گاز عمدتاً حول سه محور شکل می‌گیرند: عدم پرداخت بهای گاز از سوی خریدار، عدم تحویل گاز توسط فروشنده، و درخواست تجدیدنظر در قیمت قرارداد.^۲ در حال حاضر، از حیث ارزش مالی خواسته و مبالغی که در آرای صادره در این خصوص مورد حکم قرار گرفته است، دعاوی مربوط به تجدیدنظر در قیمت در قراردادهای گاز در جایگاه نخست میان دعاوی تجاری بین‌المللی قرار دارند.^۳ مبالغ مورد اختلاف در این دعاوی از صدها میلیون دلار آغاز شده و اغلب به میلیاردها دلار می‌رسد؛ از این رو داورانی که در این دعاوی تصمیم‌گیری می‌کنند، با مسئولیتی سنگین و دشوار روبه‌رو هستند.^۴ موضوع این داورانی، تجدیدنظر در قیمت قرارداد است که از منظر طرفین قرارداد بسیار بااهمیت تلقی می‌شود. با توجه به ماهیت این موضوع، رسیدگی دقیق به این نوع دعاوی مستلزم برخورداری از تخصص و درک تجاری در کنار دانش حقوقی است. ممکن است بی‌توجهی به این موضوع، برای هر یک از طرفین، نتایج غیرمنتظره و زیانباری در پی داشته باشد.^۵

تعیین قیمت مناسب برای تضمین ثبات اقتصادی در قراردادهای بلندمدت گاز، امری حیاتی است.^۶ هرچند شیوه‌های گوناگونی برای قیمت‌گذاری گاز وجود دارد، شاخص‌گذاری مبتنی بر نفت^۷ و شاخص‌گذاری مبتنی بر مراکز مبادله گاز (هاب)،^۸ دو سازوکار اصلی قیمت‌گذاری در محیط جدید بازارهای بین‌المللی گاز طبیعی هستند.^۹ در قراردادهای بلندمدت گاز که در آنها تعهد برداشت یا

1. Gas Sales and Purchase Agreement (GSPA).

2. Annette Magnusson, *The SCC Experience of Gas Disputes Perspectives from a Leading Arbitration Centre*, (Stockholm: The Arbitration Institute of the Stockholm Chamber of Commerce, 2012).

3. Stephen P Anway and George M von Mehren. "The Evolution of Natural Gas Price Review Arbitrations." Squire Patton Boggs (US) LLP. August 2022. 1.

4. Ibid.

5. Mark Levy. *Gas Price Arbitration; A Practical Handbook*, First ed. (London: Global Law And Business. 2014). 20.

6. Peter Roberts, *Gas and LNG Sales and Transportation Agreement: Principles and Practice*. 4th ed. (London: Sweet & Maxwell, 2014). 61.

7. Oil Indexation.

8. Hub Indexation.

9. Hamid Reza Oloumi Yazdi and Mahyar Ebrahimi. "Natural Gas Pricing and Price Review Challenges: Preparing for a More Competitive Global Market." *Petroleum Business Review*. 4 (2020): 1-15 (12) <https://doi.org/10.22050/pbr.2020.251224.1121>.

پرداخت^{۱۰} پیش‌بینی شده و خریدار متعهد به برداشت یا پرداخت مقدار معینی از گاز است، در حالی که قیمت قرارداد بر مبنای شاخص نفت تعیین می‌شود، معمولاً شرط تجدیدنظر در قیمت پیش‌بینی می‌شود. این امر بدان سبب است که در طول مدت قرارداد، ممکن است شرایط بازار نفت و بازار گاز دچار تغییراتی شوند و در نتیجه توازن اقتصادی قرارداد بر هم بخورد، در حالی که خریدار همچنان ملزم به انجام تعهدات خود بر مبنای قیمت قراردادی خواهد بود.^{۱۱}

از سال ۲۰۰۸، مجموعه‌ای از عوامل موجب کاهش قیمت گاز شدند. بحران اقتصادی جهانی، کاهش قیمت نفت، افزایش تولید گاز شیل و دیگر عوامل، شرایطی پدید آوردند که پیش‌تر در تجارت بین‌المللی گاز سابقه نداشت. این تحولات به گونه‌ای وضعیت بازار را تغییر داد که تقریباً تمامی خریداران به دنبال مذاکره مجدد و تجدیدنظر اساسی در قیمت‌ها و فعال‌سازی سازوکارهای پیش‌بینی‌شده در بند تجدیدنظر قیمت برآمدند. در نتیجه، حجم دعاوی بین‌المللی مربوط به تجدیدنظر قیمت گاز به‌طور چشمگیری افزایش یافت.^{۱۲}

تا همین اواخر، دعاوی تجدیدنظر در قیمت گاز عمدتاً محدود به قاره اروپا بود. اما با گذار روزافزون از قیمت‌گذاری مبتنی بر شاخص نفت به قیمت‌گذاری مبتنی بر مراکز مبادله گاز در اروپا، از تعداد این دعاوی در این قاره کاسته شده است.^{۱۳} با این حال، این دعاوی نقش مهمی در شکل‌گیری شیوه‌های قیمت‌گذاری در اروپا ایفا کرده‌اند و مطالعه روند تکاملی این دعاوی می‌تواند برای پیش‌بینی تحولات آتی قیمت‌گذاری و اختلافات مرتبط، به‌ویژه در بازارهای آسیایی که ساختاری مشابه بازارهای اروپا در دو دهه پیش دارند، بسیار سودمند باشد. در این بازارهای در حال گذار، قیمت‌گذاری همچنان تا حد زیادی به فرآورده‌های نفتی وابسته است.^{۱۴}

سازوکارهای سنتی تجدیدنظر در قیمت، از حیث تعیین چارچوب فرآیند تجدیدنظر و حدود اختیارات داوران، غالباً با ابهام همراه بوده‌اند.^{۱۵} این امر پیامدهای قابل توجهی برای طرفین اختلاف داشته است. برای نمونه می‌توان به پرونده *آتلانتیک آل ان جی و گس نچرال* اشاره کرد.^{۱۶} در این پرونده، دیوان دآوری، فراتر از بحث افزایش یا کاهش قیمت، شیوه جدیدی برای قیمت‌گذاری ارائه کرد؛ حال آنکه قصد و اراده طرفین از تجدیدنظر در قیمت، دستیابی به چنین نتیجه‌ای نبوده است. این مسئله ناشی از آن بود که در زمان انعقاد قرارداد، به جزئیات و آثار احتمالی بند بازنگری در

10. Take or Pay.

11. Marco Lorefice. "Gas Price Review Arbitrations." *Global Arbitration Review (GAR)*. 2020. Introduction. <https://globalarbitrationreview.com/guide/the-guide-energy-arbitrations/4th-edition/article/gas-pricereview-arbitrations>

12. Ibid., 3.

13. Marco Lorefice. *Gas Price Review Arbitrations*. conclusion

14. Stephen P Anway. et.al. *The Evolution of Natural Gas Price Review Arbitrations*. 2.

15. Peter Roberts, *Gas and LNG Sales and Transportation Agreement: Principles and Practice*. 85.

16. Ibid., 84.

قیمت توجه کافی نشده بود.^{۱۷}

حیطه صلاحیت داوران، نه تنها بر امکان تغییر ساختار قیمت، بلکه بر توازن اقتصادی^{۱۸} اولیه قرارداد نیز اثرگذار خواهد بود. توازن اقتصادی قراردادهای گاز، علاوه بر شیوه قیمت‌گذاری و فرمول قیمت، از ارزش مالی دیگر شروط قراردادی، نظیر شروط مربوط به انعطاف‌پذیری و تعهدات فروشنده در زمینه تأمین مقدار و کیفیت گاز نیز تأثیر می‌پذیرد. در اغلب موارد، طرفین مایل‌اند که بند تجدیدنظر در قیمت، ابزاری برای بازگرداندن توازن اقتصادی قرارداد به وضعیت زمان انعقاد باشد و نه اصلاح آن.^{۱۹} این در حالی است که داوران عموماً با یکی از دو رویکرد زیر به تجدیدنظر قیمت می‌پردازند: نخست، رویکرد تکاملی^{۲۰} که بر اساس آن معامله اولیه طرفین، مبنا قرار می‌گیرد و داوران در پی بازگرداندن توازن اقتصادی اولیه‌اند؛ دوم، رویکرد انقلابی^{۲۱} که در آن قیمت بر مبنای شرایط جدید بازار، با توجه کم یا اساساً بدون توجه به معامله اولیه طرفین، تعدیل می‌شود.^{۲۲} اتخاذ هر کدام از این دو رویکرد، بستگی به عبارات و مفاد بند^{۲۳} تجدیدنظر قیمت دارد و در مواردی ممکن است ترکیبی از این دو رویکرد در بند مربوطه، پیش‌بینی شده باشد.^{۲۴}

بندهای تجدیدنظر در قیمت با توجه به نوع و ماهیت قرارداد و تفاوت رویه‌های تجاری طرفین و میزان تحمل ریسک‌های تجاری، از حیث جزئیات با یکدیگر تفاوت دارند.^{۲۵} با این حال، فارغ از میزان تفصیل بندها، سه عنصر اصلی در این بندها معمولاً پیش‌بینی می‌شود: نخست، وقوع رویداد محرک، نظیر سطح معینی از تغییرات در بازار یا بازارهای خاص؛ دوم، ضوابط مربوط به تعدیل قیمت و نحوه اعمال قیمت تعدیل‌شده؛^{۲۶} سوم، رویه‌ای برای مذاکره و در صورت عدم موفقیت در مذاکره، تعیین سازوکار حل اختلاف که معمولاً ارجاع به داوری است.^{۲۷}

هرچند تحقیقات ارزشمندی در زمینه مفهوم، ماهیت، فرایند تجدیدنظر قیمت و تحولات مرتبط

17. Ibid., 85.

18. Economic Balance.

19. Noradèle Radjai and Johannes Landbrecht. "Relevance of original bargain in gas price reviews" 2014. https://www.lalive.law/wp-content/uploads/2024/05/Relevance_of_original_bargain_in_gas_price_reviews.pdf. 2.

20. Evolutionary Approach.

21. Revolutionary Approach.

22. Sorin Dolea, *Gas Price Arbitration Handbook*, First ed. (Chisinau: Cartea Juridica Publishing House. 2020). 35.

23. Sorin Dolea. *Gas Price Arbitration Handbook*. 35.

24. Mark Levy. *Gas Price Arbitration; a practical handbook*. 146.

25. Morgan Watkins, *Negotiating Price Reopener Clauses In Long-Term Sales of Natural Gas*. (Wellington: Faculty of Law Victoria University of Wellington, 2017). 38.

26. Steven Sparling and John Magnin and Peter Morton and John Gilbert and Ania Farren. "Taming Price Review Clauses: Lessons From The Transactional And Arbitration Battlefields." *K&L Gates LLP*. (2016): 1-14 (3) https://marketingstoragerags.blob.core.windows.net/webfiles/taming_price_review_clauses.pdf.

27. Ibid., 14.

صورت گرفته است،^{۲۸} مقاله حاضر با این پیش فرض که حجم بالای اختلافات تجدیدنظر قیمت و آرای غیرقابل پیش بینی صادره در این زمینه، در کنار دیگر عوامل تأثیرگذار تجاری، متأثر از ریسک‌های حقوقی و قراردادی نیز هست، ضمن بررسی چالش‌ها و اختلافات احتمالی در اجرای بندهای تجدیدنظر در قیمت در پرتو آرای داوری و تحلیل مفاد نمونه بندهای تجدیدنظر در قیمت، از جمله بند تجدیدنظر در قیمت در قرارداد گازی ایران و ترکیه و تحلیل داوری مربوطه، در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که مؤلفه‌های کلیدی و مهمی که در تنظیم یک بند تجدیدنظر در قیمت، به منظور کاهش چالش‌ها و اختلافات، باید مدنظر قرار گیرد، کدام‌اند؟

در پاسخ به این پرسش، سؤالات فرعی زیر نیز بررسی خواهد شد: ملاحظات مربوط به ارزش‌گذاری صحیح در قراردادهای گازی چیست؟ ارتباط بند تجدیدنظر قیمت با سایر شروط تجاری قرارداد چگونه باید در نظر گرفته شود؟ آیا هدف بند تجدیدنظر قیمت، بازگرداندن توازن اقتصادی اولیه قرارداد است یا اصلاح آن؟ یک بند تجدیدنظر در قیمت مؤثر، تا چه اندازه باید جنبه تجویزی داشته باشد و تا چه اندازه انعطاف‌پذیر باشد؟ ملاحظات مربوط به حدود صلاحیت داوران در اصلاح قرارداد، تغییر سازوکار قیمت‌گذاری و برهم‌زدن توازن اقتصادی اولیه قرارداد در زمان بازبینی قیمت کدام‌اند؟

این پژوهش در شش بخش تنظیم شده است. پس از مقدمه و بیان کلیات، بخش نخست به بررسی فلسفه و شیوه‌های قیمت‌گذاری و ملاحظات مرتبط با قیمت‌گذاری در قراردادهای فروش گاز می‌پردازد؛ از جمله تمایز میان قیمت اسمی قرارداد و ارزش واقعی گاز و موضوع توازن اقتصادی قرارداد در زمان انعقاد و در مرحله تجدیدنظر قیمت. در بخش دوم، دو عامل اصلی بررسی می‌شود: نخست، قیمت‌گذاری مبتنی بر شاخص نفت و دوم، تعهد برداشت یا پرداخت به‌عنوان عوامل اصلی در موضوعیت یافتن تجدیدنظر در قیمت در قراردادهای فروش گاز. بخش سوم به فرآیند کلی تجدیدنظر در قیمت می‌پردازد. در بخش‌های چهارم و پنجم، ضمن بررسی چالش‌های رایج در اجرای بندهای تجدیدنظر در قیمت، به نکات اصلی در تنظیم یک بند تجدیدنظر قیمت مؤثر پرداخته می‌شود. در نهایت، در بخش ششم، نمونه بندهای تجدیدنظر در قیمت، از جمله بند

28. Heydari Roochia, Niloofar, and Nasrollah Ebrahimi, "Examining Concept and Nature of Gas Price Review Clauses", *Journal Of Researches Energy Law Studies*. No. 9 (2023), pp. 59-78. 10.22059/jrels.2023.304901.376.

- Heydari Roochia, Niloofar, and Nasrollah Ebrahimi. "Gas Price Arbitration in The Light of Experts' Role: A Conceptual Analysis with a Reference to Iran-Turkey Case." *Petroleum Business Review* 3. No. 7 (2019). <https://doi.org/10.22050/pbr.2019.112867>.

- جعفر نوری یوشانلوئی و نسیم برخی، «شرط بازنگری قیمت در قراردادهای گازی «دریافت یا پرداخت» و حل و فصل اختلافات ناشی از آن»، *مطالعات حقوق خصوصی* ۱، ۴۹ (۱۳۹۸). doi: 10.22059/jlq.2019.248164.1006971.

- زهرا دهقان، *ارزیابی شرط بازنگری قیمت در قراردادهای فروش گاز در پرتو رویه داوری*، رساله دکتری رشته حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۴۰۱.

تجدیدنظر در قیمت در قرارداد گازی ایران و ترکیه در پرتو داوری انجام‌شده، تحلیل و ارزیابی می‌شود.

۱. قراردادهای گازی مشمول تجدیدنظر در قیمت

عموماً بحث تجدیدنظر در قیمت در قراردادهای بلندمدت، زمانی مطرح می‌شود که در این قراردادها شرط برداشت یا پرداخت پیش‌بینی شده باشد و در عین حال، قیمت قرارداد، مستقیماً با قیمت‌های بازار گاز مرتبط نباشد، بلکه با ارجاع به شاخص نفت یا فرآورده‌های نفتی تعیین شود.^{۲۹} در ادامه، این دو عامل و نقش آن‌ها در بحث تجدیدنظر در قیمت بررسی می‌شود.

۱-۱. شرط برداشت یا پرداخت^{۳۰}

با توجه به نقش کلیدی گاز به‌عنوان سوختی مرغوب از یک سو و هزینه‌های بالای تولید آن از سوی دیگر، بحث تضمین درآمد فروشنده برای تأمین این هزینه‌ها مطرح می‌شود. پیش‌بینی شرط برداشت یا پرداخت در قراردادهای گازی نیز با همین هدف صورت می‌گیرد. گاز طبیعی به‌دلیل تولید آلاینده‌های کمتر، جایگزینی مناسب و پاک‌تر برای زغال‌سنگ و نفت خام به‌شمار می‌آید^{۳۱} و با توجه به ویژگی‌هایی که دارد می‌تواند در دوره‌های گذار کوتاه‌مدت و میان‌مدت، سوختی تکمیلی در حمایت از انرژی‌های تجدیدپذیر باشد.^{۳۲} در عین حال، پروژه‌های گاز طبیعی بسیار سرمایه‌بر هستند و طراحی اولیه این پروژه‌ها و بهینه‌سازی هزینه‌های سرمایه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.^{۳۳} برای چندین دهه، به دلیل حجم بالای سرمایه‌گذاری و هزینه‌های حمل و نقل برای مصرف‌کننده نهایی، گاز طبیعی به‌عنوان سوختی با بهره‌برداری دشوار شناخته می‌شد.^{۳۴} در آغاز صنعت گاز طبیعی در اروپا، کشورها برای پاسخ‌گویی به تقاضای روزافزون انرژی و تأمین امنیت عرضه، ناگزیر از ایجاد زیرساخت‌های تولید بودند. این زیرساخت‌ها باید از سوی شرکت‌های

29. Marco Loreface. *Gas Price Review Arbitrations*. Introduction

30. Take or Pay.

31. John Sienna. "The Future Of Natural Gas In The World Of Energy." 2023. Natural Gas as the Bridge Fuel to a Sustainable Future.

32. Amir Safari, Nandini Das, Oluf Langhelle, Joyashree Roy and Mohsen Assadi. "Natural Gas: A Transition Fuel For Sustainable Energy System Transformation?", *Energy Science & Engineering* 7. No. 4 (2019): 1075. <https://doi.org/10.1002/ese3.380>.

see also: - IEF (International Energy Forum), 4 Reason Natural Gas Is A Critical Part Of Energy Transition ,september 2021, Natural gas is a reliable, affordable energy source which enables innovation.

- Kelley, Ryan C, and Ben Cook. "The Role of Natural Gas in the Energy Transition". February 2022. Accessed 02 03, 2025. <https://www.hennessyfunds.com/insights/energy-secthighlight-role-of-nat-gas>.

33. Hafner Manfred and Luciani Giacomo. *The Palgrave Handbook Of International Energy Economics*. First (London: Palgrave Macmillan Cham. 2022). 27.

34. Alexandre Rojeu and Claude Jaffret, *Natural Gas Production Processing Transport*. First ed. (Paris: Editions Technip, 1997). 3.

تولیدکننده گاز و با تحمل هزینه‌های سرمایه‌گذاری هنگفت ایجاد می‌شود. برای بازگشت این سرمایه‌ها، سازوکاری پیش‌بینی شد که از طریق انعقاد قراردادهای خرید و فروش بلندمدت محقق می‌شود؛ قراردادهایی که در آن فروشنده متعهد می‌شود مقدار معینی گاز را به خریدار بفروشد و خریدار نیز در مقابل متعهد می‌شود همان مقدار را تحویل بگیرد یا در صورت عدم برداشت، بهای آن را پرداخت کند. این قراردادها به قراردادهای برداشت یا پرداخت^{۳۵} معروف‌اند.^{۳۶} در چنین قراردادهایی، فروشنده حتی در صورت عدم برداشت گاز از سوی خریدار، از درآمد ثابت برخوردار خواهد بود.^{۳۷}

پذیرش این شرط از سوی خریدار به معنای پذیرش ریسکی بزرگ است، چرا که ممکن است شرایط اقتصادی و بازار در طول مدت قرارداد تغییر کند و خرید گاز با قیمت قراردادی از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه نباشد. در چنین شرایطی، اهمیت بند بازنگری در قیمت نمایان می‌شود. این بند به خریدار این اطمینان را می‌دهد که در صورت تغییر شرایط اقتصادی، قیمت قرارداد، متناسب با آن تعدیل خواهد شد.^{۳۸} با گنجاندن بند تجدیدنظر در قیمت، ریسک مشخصی میان طرفین قرارداد توزیع می‌شود. در این چارچوب، فروشنده، ریسک مربوط به قیمت را (به‌طور دوره‌ای) از طریق بند بازنگری در قیمت می‌پذیرد، در حالی که خریدار، ریسک مربوط به حجم (سالانه) را از طریق شرط برداشت یا پرداخت بر عهده می‌گیرد. این نوع توزیع ریسک در قراردادهایی که قیمت آن‌ها به‌طور مستقیم با قیمت‌های بازار گاز همسو نیست، امری معمول به شمار می‌آید؛ هرچند تنها برخی خریداران توانایی پذیرش چنین ریسک حجمی را دارند و می‌توانند قراردادهایی با تعهدات برداشت، نزدیک به کل حجم قرارداد منعقد کنند.^{۳۹} در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که هر چه بند برداشت یا پرداخت، چارچوب سخت‌گیرانه کمتری داشته باشد، نیاز به بند تجدیدنظر در قیمت نیز کمتر خواهد بود.^{۴۰}

35. Take or Pay Contracts.

36. Marco Lorefice. *Gas Price Review Arbitrations*. Introduction

۳۷. محمود باقری و صدیقه فهیمی، «بررسی وضعیت حقوقی شروط تحویل یا پرداخت در قراردادهای بلندمدت فروش گاز»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۳۴، ۵۷، (۱۳۹۶): ۱۲۶.

<https://doi.org/10.22066/cilamag.2017.27966>

38. Hamid Reza Oloumi Yazdi. et al. *Natural Gas Pricing and Price Review Challenges: Preparing for a More Competitive Global Market*. 7.

39. Marco Lorefice. *Gas Price Review Arbitrations*

40. Hamid Reza Oloumi Yazdi. et al. *Natural Gas Pricing and Price Review Challenges: Preparing for a More Competitive Global Market*. 7.

۴۱. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: محمد ساردویی‌نسب و پیمان آقابابایی دهکردی، «ماهیت حقوقی تعهد دریافت یا پرداخت و اعتبار آن در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه»، *حقوق اسلامی* ۱۶، ۶۳، (۱۳۹۸).

۲-۱. قراردادهای شاخص‌گذاری نفت

در دوره‌ای که انعقاد قراردادهای برداشت یا پرداخت رواج یافت، در اروپا بازاری شفاف و واقعی برای گاز وجود نداشت؛ از این رو مرجعی مشخص برای تعیین قیمت گاز تحویلی در دسترس نبود. در نتیجه، قیمت گاز فروخته‌شده در این قراردادها بر اساس قیمت سوخت‌های رقیب در بازار انرژی، از جمله نفت و فرآورده‌های نفتی تعیین می‌شد.^{۴۲}

عموماً در قراردادهای خرید و فروش بلندمدت گاز که قیمت گاز در آن‌ها به‌طور کامل یا جزئی به محصولات نفتی وابسته است، بند مربوط به تجدیدنظر در قیمت پیش‌بینی می‌شود. علت آن است که در طول مدت قرارداد، ممکن است شرایط بازار نفت و بازار گاز از یکدیگر فاصله بگیرند و قیمتی که به نفت وابسته است، در دوره‌ای خاص، بازتاب‌دهنده شرایط واقعی بازار گاز نباشد. در چنین وضعیتی، تعادل اقتصادی قرارداد برهم می‌خورد و هر یک از طرفین، بسته به مورد، می‌تواند به بند تجدیدنظر در قیمت استناد کند.^{۴۳} در ایالات متحده و بریتانیا که قیمت گاز در قراردادها، عموماً با قیمت‌های بازار گاز هماهنگ است، نیاز چندانی به فرایند بازنگری در قیمت وجود ندارد، چرا که قیمت قراردادی در این کشورها همواره بازتاب‌دهنده شرایط واقعی بازار گاز است.^{۴۴} ایالات متحده در حال حاضر، آزادترین و رقابتی‌ترین بازار گاز در جهان به شمار می‌آید و قیمت‌گذاری گاز در آن از مدل‌های قدیمی (شاخص‌گذاری نفت و فرآورده‌های نفتی) به سوی قیمت‌های تعادلی مبتنی بر عرضه و تقاضا حرکت کرده است.^{۴۵} به همین سبب، اختلافات و داوری‌های مربوط به تجدیدنظر در قیمت در این کشور کم‌رنگ شده است.

۲. قیمت‌گذاری در قراردادهای فروش گاز و تحولات بازار گاز

۲-۱. فلسفه قیمت‌گذاری

تعیین قیمت مناسب در قراردادهای بلندمدت گاز، برای تضمین ثبات اقتصادی^{۴۶} و پایداری روابط قراردادی، از اهمیت بسزایی برخوردار است.^{۴۷} طرفین قرارداد، رویکردها و ملاحظات متفاوتی در تعیین قیمت دارند: از منظر خریدار، قیمت گاز باید رقابتی بوده و در طول دوره قرارداد، متناسب با قیمت سوخت‌های رقیب تعدیل شود؛ در حالی که از دیدگاه فروشنده، قیمت باید به گونه‌ای تنظیم

42. Marco Loreface. *Gas Price Review Arbitrations*

43. Ibid.

44. Ibid.

45. علی و کیلی و سیدحسین ایرانمنش، راهنمای (هندبوک) اقتصاد و تجارت نفت و گاز (تهران: هزاره سوم اندیشه، ۱۳۹۶)، ۹۵.

46. Economic Sustainability

47. Peter Roberts, *Gas and LNG Sales and Transportation Agreement: Principles and Practice*. 61.

شود که امکان بازیابی هزینه‌های سرمایه‌ای و عملیاتی و تحقق سود معقول فراهم شود.^{۴۸}

۲-۲. ملاحظات مربوط به قیمت‌گذاری

اساساً در فرایند قیمت‌گذاری باید توجه داشت که افزون بر فرمول قیمت قراردادی، مؤلفه‌های متعدد دیگری نیز بر ارزش واقعی گاز مؤثرند. از این رو در راستای ارزش‌گذاری صحیح، چه در زمان انعقاد قرارداد و چه در زمان تجدیدنظر در قیمت، ضروری است این مؤلفه‌ها مورد توجه قرار گیرند.

الف. ارزش پولی شروط انعطاف‌پذیر (ارزش انعطاف‌پذیری)^{۴۹}

قراردادهای بلندمدت خرید و فروش گاز طبیعی، علاوه بر فرمول قیمت، مشتمل بر شروط متنوعی در حوزه‌های تجاری، مالی، فنی و حقوقی هستند. برخی از این شروط که ناظر بر مقادیر قراردادی‌اند، دارای انعطاف‌پذیری بوده و این انعطاف‌پذیری واجد ارزش پولی است که بر رژیم مالی قرارداد، از جمله قیمت گاز، تأثیر می‌گذارد.^{۵۰} برخی از عناصر انعطاف‌پذیر مقداری، شامل مقدار قراردادی روزانه،^{۵۱} مقدار قراردادی سالانه،^{۵۲} تعهد برداشت یا پرداخت،^{۵۳} مقدار گاز جبرانی،^{۵۴} مقدار گاز پیش‌برداشت،^{۵۵} قصور در تحویل یا برداشت مقادیر قراردادی^{۵۶} هستند. نحوه تنظیم این مقادیر و میزان انعطاف‌پذیری آن‌ها، ارزش پولی ایجاد کرده که به نوبه خود تأثیر قابل توجهی بر خروجی فرمول قیمت قراردادی می‌گذارد.^{۵۷}

همچنین، قیمت توافقی با قابلیت مذاکره سایر شروط تجاری، رابطه‌ای دوسویه دارد. چنانچه قیمت قراردادی نسبتاً بالا باشد، فروشنده معمولاً آمادگی بیشتری برای ارائه شرایط تجاری مطلوب‌تر در سایر حوزه‌ها خواهد داشت. برعکس، در شرایطی که قیمت قرارداد، پایین تعیین شود،

48. Ibid., 62.

49. Value of Flexibility

۵۰. علیرضا قاسمی جاوید، عاطفه تکلیف و محمدمهدی حاجیان، «ارائه مدل بهینه‌سازی قیمت در قراردادهای صادرات گاز ایران بر مبنای تحلیل شروط انعطاف‌پذیر مقداری»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۱۷، ۶۹ (۱۴۰۰): ۱.

<http://iiesj.ir/article-1-1229-fa.html>

51. Daily Contract Quantity (DCQ).

52. Annual Contract Quantity (ACQ).

53. Take or Pay Commitment (TOP).

54. Make-Up Gas Quantity (MU).

55. Carry Forward Gas Quantity (CF).

56. Shortfall Quantities

فروشنده در اعطای سایر امتیازات تجاری، جانب احتیاط را^{۵۸} رعایت خواهد کرد. برای نمونه، در قراردادی که حق تعیین مقادیر تحویلی به فروشنده اعطا شده، گستره مصادیق قوه قهریه برای فروشنده وسیع، و برای خریدار، محدود تعیین شده و مسئولیت فروشنده نسبت به کسری گاز، محدود است، به گونه‌ای که با چنین شرایط تجاری پیش‌بینی شده‌ای، ریسک فروشنده ذیل قرارداد فروش، ریسک پایینی محسوب می‌شود و قیمت قراردادی معمولاً پایین‌تر خواهد بود. در مقابل، قراردادی با تعهد تحویل سختگیرانه، مسئولیت گسترده فروشنده و حقوق محدود در قبال قوه قهریه که در آن ریسک تجاری خریدار پایین است، مستلزم قیمت قراردادی بالاتری خواهد بود.^{۵۹} بنابراین، توازن اقتصادی قرارداد بلندمدت گاز و چارچوب چانه‌زنی آن،^{۶۰} از طریق ترتیبات قیمت‌گذاری و فرمول قیمت از یک سو و ارزش گاز، شامل انعطاف‌پذیری و ارزش تعهدات خدماتی فروشنده (همچون تأمین پایدار عرضه و کیفیت گاز)، از سوی دیگر تعیین می‌شود.^{۶۱}

ب. قیمت‌گذاری بسته‌ای^{۶۲}

در برخی قراردادها، قیمت تعیینی، منعکس‌کننده مجموعه‌ای از هزینه‌ها، از جمله فرآوری و انتقال گاز است، در حالی که ممکن است در قراردادهای دیگر، هرکدام از این هزینه‌ها به صورت جداگانه درج شود.^{۶۳}

ج. قیمت‌گذاری آفست^{۶۴}

ممکن است در قرارداد، قیمت به گونه‌ای پیش‌بینی شود که تعهد فروشنده به پرداخت مبالغی به خریدار از جمله هزینه انتقال با قیمت گاز تهاتر شود. به طور مثال، دریافتی خالص مورد نیاز فروشنده از فروش گاز، چهار دلار و تعرفه حمل و نقل خریدار، یک دلار است. گزینه‌های قیمت‌گذاری به شرح زیر است:^{۶۵}

گزینه اول: فروشنده، قیمت اسمی قرارداد را پنج دلار تعیین می‌کند و هزینه تعرفه حمل و نقل یک دلار را به خریدار می‌پردازد.

گزینه دوم (آفست): فروشنده، قیمت اسمی را چهار دلار تعیین می‌کند و خریدار از پرداخت

58. Peter Roberts, *Gas and LNG Sales and Transportation Agreement: Principles and Practice*. 43.

59. Ibid.

60. Its Bargain

61. Noradèle Radjai et al. *Relevance of original bargain in gas price reviews*. 2.

62. Bundled Pricing

63. Peter Roberts, *Gas and LNG Sales and Transportation Agreement: Principles and Practice*. 73-74.

64. Offset Pricing

65. Ibid., 74-75.

تعرفه حمل و نقل توسط فروشنده چشم‌پوشی می‌کند. نتیجه در هر دو گزینه یکسان است. دریافتی خالص فروشنده در فروش گاز، چهار دلار است اما ممکن است به‌کارگیری گزینه دوم، دو ایراد به همراه داشته باشد: اول اینکه خریدار علی‌رغم استفاده فروشنده از ظرفیت خط لوله، تعرفه صفر برای فروشنده منظور کند که ممکن است این موضوع به‌عنوان ملاک و سابقه‌ای نامطلوب، سایر مراودات خریدار را تحت تأثیر قرار دهد و در مقابل نیز فروشنده قیمت اسمی کمتری ارائه می‌دهد که چنانچه در قراردادهای دیگر فروشنده با سایر طرف‌های قراردادی اصل دولت کامله‌الوداد پیش‌بینی شده باشد، چنین قیمت اسمی پایینی منتج به فعال شدن ماشه اصل مذکور می‌شود.^{۶۶}

د. شرط دولت کامله‌الوداد^{۶۷}

ممکن است از منظر خریدار، این موضوع مهم باشد که قیمتی که تحت قرارداد می‌پردازد، بالاتر از قیمتی نباشد که سایر رقبای خریدار تحت قراردادهای مشابه با فروشنده می‌پردازند، چرا که ممکن است از حیث رقابت‌پذیری و امکان بازاریابی گاز در بازار پایین‌دستی، نکته‌ای منفی محسوب شود. در چنین شرایطی در راستای حمایت از خریدار، گاهی مقرره‌ای تحت عنوان دولت کامله‌الوداد در قرارداد پیش‌بینی می‌شود (اصطلاحی که از حوزه تجارت بین‌الملل به عاریت گرفته شده است)، با این مضمون کلی که اگر فروشنده در سایر قراردادهای مشابه،^{۶۸} قیمت مؤثر پایین‌تری ارائه کند، باید چنین قیمت پایینی را به خریدار نیز پیشنهاد دهد. چنین شرطی به نفع فروشنده نسبت به مواقعی که خریدار، قراردادی با قیمت بالاتر منعقد می‌کند نیز قابل پیش‌بینی است. نکته قابل تأمل این است که اساساً مبنای ارزیابی برای تعیین قراردادهای مشابه و قابل مقایسه چیست؟ از این رو باید تعریف درستی از قراردادهای مشابه ارائه شود. ضمناً نظارت بر اجرای چنین شرطی به جهت فقدان اطلاعات قابل اعتماد و مشکلات ناظر بر یکسان‌سازی ترتیبات خرید و فروش، ذیل قراردادهای مختلف، امری چالشی خواهد بود.^{۶۹}

هـ. قیمت ظاهری و قیمت مؤثر^{۷۰}

در شرایطی که فروشنده، گاز را به چندین خریدار عرضه می‌کند، ارائه قیمت پایین‌تر به یک خریدار خاص، ممکن است موجب بدبینی سایر خریداران فعلی فروشنده شود و در مذاکرات آتی با خریداران

66. Ibid., 75.

67. Most Favored Nation.

68. Comparable Agreements.

69. Ibid., 73.

70. Nameplate and Effective Pricing.

جدید نیز به‌عنوان سابقه‌ای نامطلوب در خصوص سطح قیمت‌ها تلقی شود. افزون بر این، در مواردی که در قراردادی، اصل دولت کامله‌الوداد پیش‌بینی شده باشد، قیمت پایین‌تر می‌تواند منجر به فعال شدن این اصل به ضرر فروشنده شود و او را ناگزیر از اعطای همان شرایط قیمتی به سایر خریداران نماید.^{۷۱}

در این گونه موارد، ملاحظه‌ای که برای تضمین قیمت مؤثرتر پایین‌تر برای خریدار خاص استفاده می‌شود، بدون آنکه ریسکی متوجه فروشنده شود، این است که فروشنده قیمت بالایی را در قرارداد فروش گاز لحاظ می‌کند اما سایر مشوق‌های تجاری را که ممکن است مستقیماً در قرارداد فروش گاز به آن‌ها اشاره نشود به خریدار ارائه می‌دهد؛ مشوق‌هایی نظیر مقادیر معینی از گاز رایگان، انجام خدمات رایگان یا تخفیف‌خورده مانند حمل و نقل، فرآوری یا کمک‌های عملیاتی که خریدار مسئول انجام و پرداخت آن بوده است. نتیجه چنین مشوق‌هایی این است که علی‌رغم قیمت ظاهری بالا در قرارداد، قیمت مؤثر کمتری به خریدار ارائه خواهد شد.^{۷۲}

ارزش‌گذاری صحیح قراردادهای بلندمدت گاز طبیعی، نه تنها در زمان انعقاد و تعیین قیمت اولیه، بلکه در مراحل مذاکره مجدد و بازبینی عوامل قراردادی، از جمله بازنگری در قیمت، اهمیت بسزایی دارد.^{۷۳} تعیین قیمت منصفانه برای این دسته از قراردادهای دشوار و چالش‌برانگیز است و مستلزم در نظر گرفتن ارزش واقعی قرارداد و لحاظ نمودن عوامل انعطاف‌پذیر در سازوکار تعیین قیمت است.^{۷۴}

۲-۳. روش‌های قیمت‌گذاری^{۷۵}

برخلاف نفت خام که از یک بازار یکپارچه بین‌المللی برخوردار است، بازار گاز طبیعی ماهیت منطقه‌ای دارد و عمدتاً به سه بازار اصلی آمریکای شمالی، اروپا و آسیا تقسیم می‌شود که هر یک از ساختارها و فرمول‌های خاص خود در قیمت‌گذاری تبعیت می‌کنند. از این رو فرآیند قیمت‌گذاری گاز طبیعی، تحت تأثیر عوامل متنوعی از جمله ویژگی‌های بازار منطقه‌ای، ریسک‌های خاص و متغیرهای تصادفی، از پیچیدگی بالایی برخوردار است. با توجه به اینکه بخش عمده تجارت جهانی گاز از طریق قراردادهای بلندمدت انجام می‌شود، طراحی مدل‌های اقتصادی مناسب برای قیمت‌گذاری این قراردادها اهمیت ویژه‌ای دارد.^{۷۶} مدل‌های مختلفی در قیمت‌گذاری گاز وجود دارد:

71. Ibid., 74.

72. Ibid.

73. Holden, Laris, Ander Loland, and Ola Lindqvist, "Valuation of Long-Term Flexible Gas Contracts". *The Journal of Derivatives* (2011).

74. Ibid.

75. Pricing Methods

۷۶. قاسمی جاوید و دیگران، همان، ۲.

قیمت‌گذاری ثابت،^{۷۷} قیمت‌گذاری مبتنی بر هزینه،^{۷۸} قیمت‌گذاری مبتنی بر ارزش بازار،^{۷۹} قیمت‌گذاری مبتنی بر رقابت گاز با گاز^{۸۰، ۸۱} اتحادیه بین‌المللی گاز،^{۸۲} روش‌های قیمت‌گذاری را این گونه دسته‌بندی می‌کند:^{۸۳}

الف. قیمت‌گذاری مبتنی بر نوسانات قیمت نفت^{۸۴}

در این روش، قیمت گاز از طریق قیمت پایه و ضریب تعدیل یا نوسان به قیمت نفت تعیین می‌شود. گاهی ممکن است به جای نفت از قیمت زغال‌سنگ یا برق یا سیدی از سایر محصولات فسیلی نیز استفاده شود.^{۸۵}

عموماً ترجیح فروشنده، شاخص نفت و فرآورده‌های نفتی مبتنی بر مبادلات بین‌المللی است و ترجیح خریدار، شاخص‌هایی است که در بازار مقصد قیمت‌گذاری می‌شود، مانند فرآورده‌های نفتی مبتنی بر بازارهای داخلی و قیمت برق و بسته به مورد، زغال‌سنگ.^{۸۶}

ب. رقابت گاز با گاز^{۸۷}

در این روش، قیمت گاز از طریق سازوکار بازار و در نتیجه عرضه و تقاضا تعیین می‌شود.^{۸۸}

ج. انحصار دوطرفه^{۸۹}

قیمت از طریق مذاکرات دوجانبه بین یک فروشنده بزرگ و یک خریدار بزرگ که معمولاً شرکت‌های غالب انحصاری هستند، تعیین می‌شود.^{۹۰}

77. Fixed Price.

78. Cost-Plus Pricing Mechanism.

79. Market-Linked Pricing Mechanism (Netback Pricing Mechanism).

80. Gas-to-Gas Competition Pricing Mechanism.

۸۱. همان، ۱۰.

82. International Gas Union (IGU).

83. Hamid Reza Oloumi Yazdi. *et al. Natural Gas Pricing and Price Review Challenges: Preparing for a More Competitive Global Market*. 6

84. Oil Price Escalation (OPE).

85. Ibid.

86. Peter Roberts, *Gas and LNG Sales and Transportation Agreement: Principles and Practic*. 68-69.

87. Gas-on-Gas Competition (GOG).

88. Hamid Reza Oloumi Yazdi. *et al. Natural Gas Pricing and Price Review Challenges: Preparing for a More Competitive Global Market*. 6.

89. Bilateral Monopoly (BIM).

90. Ibid.

د. ارزش بازگشتی از محصول نهایی^{۹۱}

در این روش، قیمت پرداختی به فروشنده، تابعی از قیمتی است که خریدار از فروش محصول نهایی خود به دست می‌آورد. این شیوه معمولاً در مواردی کاربرد دارد که گاز برای مصارف خاصی، نظیر تولید محصولات پتروشیمی مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۹۲} در این چارچوب، قیمت گاز از طریق محاسبه معکوس (رو به عقب) بر مبنای مجموع هزینه‌های انجام‌شده در کلیه مراحل زنجیره ارزش گاز تعیین می‌شود.^{۹۳}

ه. تعیین قیمت از طریق مراجع نظارتی^{۹۴}

در این روش، مراجع نظارتی دولتی قیمت گاز را تعیین می‌کنند. چنین تنظیم قیمتی ممکن است با اهداف اجتماعی و سیاسی همراه باشد؛ به‌گونه‌ای که در برخی موارد، یارانه صرفاً به بخشی از جمعیت^{۹۵} و با دریافت هزینه‌ای معادل هزینه ارائه خدمات اعطا می‌شود و در مواردی دیگر، این یارانه به گونه‌ای اعطا می‌شود که عموم مردم،^{۹۶} گاز را با قیمتی حتی پایین‌تر از هزینه واقعی خدمات دریافت می‌کنند.^{۹۷} دلایل مداخله دولت در بازار گاز در کشورهای مختلف متفاوت است؛ از جمله می‌توان به وجود انحصار طبیعی در بخش ترانزیت گاز، ضرورت تضمین امنیت عرضه، نگرانی از رفتارهای ضدرقابتی برخی از بنگاه‌های بزرگ فعال در بازار، کاهش قیمت‌ها به نفع مصرف‌کنندگان، و اجرای سیاست‌های حمایتی خاص اشاره کرد.^{۹۸}

و. شاخص‌گذاری نفت و شاخص‌گذاری هاب

در فضای نوین بازارهای بین‌المللی گاز، قیمت‌گذاری مبتنی بر شاخص نفت و قیمت‌گذاری مبتنی بر شاخص هاب گاز، دو سازوکار اصلی در تعیین قیمت به شمار می‌روند. سایر روش‌های قیمت‌گذاری، امروزه عمدتاً در چارچوب نظام‌های قیمت‌گذاری دولتی یا انحصاری به کار گرفته

91. Netback from Final Product (NET).

92. Ibid.

93. مرتضی بهروزی‌فر، افشین جوان و محمدعلی حاجی میرزایی، اصول و مبانی قیمت‌گذاری گاز طبیعی و ال‌ان‌جی در بازارهای بین‌المللی (تهران: انتشارات هزاره سوم اندیشه، ۱۳۹۷)، ۲۳۲.

94. Regulation Methods.

95. Subsidy to the Population.

96. More Significant Subsidy to the Population.

97. Hamid Reza Oloumi Yazdi. *et al. Natural Gas Pricing and Price Review Challenges: Preparing for a More Competitive Global Market*. 6.

98. غلامعلی رحیمی و جلال دهنوی، قیمت‌گذاری گاز در قراردادهای بین‌المللی (آزادسازی، تئوری‌ها و مکانیسم‌ها) (تهران: انتشارات هزاره سوم اندیشه، ۱۳۹۵)، ۲۱-۲۳.

می‌شوند و در بازارهای رقابتی و مبتنی بر سازوکار بازار، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.^{۹۹} در مدل قیمت‌گذاری مبتنی بر شاخص نفت، قیمت گاز طبیعی، تابعی از قیمت نفت خام یا سایر سوخت‌های فسیلی است. در مقابل، در مدل شاخص‌گذاری مبتنی بر هاب، قیمت گاز در قرارداد، مستقیماً بر اساس سازوکار عرضه و تقاضا در بازار گاز و قیمت‌های کشف‌شده در هاب‌های تجاری تعیین می‌شود.

۲-۴. تحولات بازار گاز و ظهور اختلافات در بازنگری قیمت

در گذشته، شاخص‌گذاری مبتنی بر نفت، مبنای اصلی تعیین قیمت گاز طبیعی به شمار می‌رفت و در اغلب نقاط جهان، قیمت گاز، تابعی از قیمت نفت خام یا سایر سوخت‌های فسیلی بود.^{۱۰۰} مهم‌ترین علت این رویکرد آن بود که به دلیل محدودیت‌های ساختاری در بازار گاز، امکان تعیین قیمت گاز بر مبنای سازوکار عرضه و تقاضای بازار فراهم نبود. در چنین شرایطی، قیمت گاز معمولاً به قیمت حامل‌های انرژی جایگزین، به‌ویژه نفت وابسته می‌شد. این نوع قیمت‌گذاری، از منظر اقتصادی نیز تا حدودی توجیه‌پذیر بود زیرا نفت و گاز در بسیاری از مصارف، قابلیت جایگزینی داشتند و در صورت بروز تفاوت چشمگیر در قیمت آن‌ها، مصرف‌کنندگان می‌توانستند میان این دو سوخت، جایگزینی انجام دهند.^{۱۰۱} از آغاز هزارهٔ سوم، عواملی که پیش‌تر موجب حفظ ارتباط قیمتی میان گاز و نفت می‌شد، رو به کاهش گذاشت. رشد مصرف گاز، توسعهٔ بازار ال‌ان‌جی و اصلاحات ساختاری در بازارهای بین‌المللی گاز، به شکل‌گیری و توسعهٔ بازارهای رقابتی منطقه‌ای گاز انجامید. در عین حال، مصارف گاز و نفت به‌مرور از یکدیگر تفکیک شد و به سمت کاربردهای خاص و متمایز سوق پیدا کرد و امکان جایگزینی کامل میان آن‌ها کاهش یافت. در نتیجه، همبستگی میان قیمت گاز و نفت به تدریج تضعیف شد و قیمت این دو حامل انرژی از یکدیگر فاصله گرفت.^{۱۰۲} این تحولات، فشار قابل توجهی بر سازوکار قیمت‌گذاری مبتنی بر نفت خام وارد کرد، به گونه‌ای که این سازوکار در بسیاری از موارد کنار گذاشته شد و جای خود را به شیوه‌های دیگر قیمت‌گذاری داد.^{۱۰۳} در پی آزادسازی بازارهای گاز در اروپا، مراکز متعدد تجارت گاز (هاب‌های گازی) شکل گرفتند که قیمت‌های مبادله‌ای گاز را به صورت شفاف و قابل اتکا منتشر می‌کنند. این امر باعث تغییر در الگوی شاخص‌گذاری قیمت شد؛ به طوری که در قراردادهای بلندمدت برداشت یا پرداخت،

99. Hamid Reza Oloumi Yazdi. *et al. Natural Gas Pricing and Price Review Challenges: Preparing for a More Competitive Global Market*. 6.

100. *Ibid.*, 4.

101. *Ibid.*

102. *Ibid.*

See also: Gina Cohen, *Long Term Gas Contracting Terms, Definitions, Pricing- Theory and Practice*. 1st ed. (Athens: Institute for Energy (IENE). May 2019). 6-15 and 102-132.

۱۰۳. رحیمی و دهنوی، همان، ۱۴.

قیمت گاز به جای آن که بر مبنای نفت و فرآورده‌های نفتی تعیین شود، به بازار گاز و قیمت‌های کشف‌شده در هاب‌های گازی مرتبط شد. این تحول موجب بروز شکاف قیمتی میان قراردادهای قدیمی مبتنی بر نفت و سطح قیمت‌های بازار گاز شد و در نتیجه، در بسیاری از قراردادهای بلندمدت اروپایی، شرایط لازم برای درخواست تجدیدنظر در قیمت فراهم آمد.^{۱۰۴}

از سال ۲۰۰۸ نیز مجموعه‌ای از عوامل کاهنده قیمت گاز پدیدار شد؛ از جمله بحران اقتصادی جهانی، افت قیمت نفت، افزایش تولید گاز شیل و سایر تحولات بازار. این وضعیت بی‌سابقه در تجارت بین‌المللی گاز، شرایطی ایجاد کرد که در آن تقریباً تمامی خریداران به‌دنبال مذاکره مجدد درباره مبنای قیمت‌گذاری بودند. به‌گفته برخی تحلیل‌گران، قراردادهای فروش گاز، مبتنی بر شاخص‌گذاری نفت در معرض ریسک انحراف قابل توجه از شرایط واقعی بازار گاز قرار گرفتند، به نحوی که وضعیت طرفین قرارداد را اساساً تحت تأثیر قرار می‌داد. در چنین فضایی، شمار فزاینده‌ای از خریداران به فعال‌سازی بندهای بازنگری قیمت در قراردادهای خود روی آوردند؛ امری که به افزایش محسوس تعداد داورهای بین‌المللی در حوزه قیمت گاز انجامید. روند رو به رشد این داورها و صدور آرای چالش‌برانگیز در این زمینه، انگیزه‌ای برای تحلیل‌گران و متخصصان صنعت انرژی فراهم آورد تا ابعاد مختلف این پدیده را به‌طور جامع بررسی کنند. در سال‌های اخیر نیز مقالات متعددی در این خصوص منتشر شده است.^{۱۰۵}

گرچه با روند فزاینده گذار از شاخص‌گذاری مبتنی بر نفت به شاخص‌گذاری مبتنی بر هاب‌های گازی در اروپا، از تعداد اختلافات مرتبط با بازنگری قیمت در این قاره کاسته شده است،^{۱۰۶} باید توجه داشت که این نوع اختلافات تا همین اواخر، عمدتاً به اروپا محدود بوده است. در این فرایند، داورهای بین‌المللی طی دو دهه گذشته نقش بسیار مهمی در تحول قیمت‌گذاری گاز در اروپا ایفا کرده است. بدیهی است که با مطالعه روند تکاملی این داورها در گذشته، می‌توان پیش‌بینی‌های واقع‌بینانه‌ای درباره آینده این نوع اختلافات به دست داد.^{۱۰۷}

این پیش‌بینی‌ها به‌ویژه برای بازارهای آسیایی اهمیت فراوان دارد، چرا که بازارهای گاز در آسیا امروز تا حد زیادی مشابه وضعیت بازارهای اروپایی در حدود دو دهه پیش هستند؛ بازارهایی در حال گذار که در آن‌ها قیمت‌گذاری نیز تا حد زیادی به محصولات نفتی وابسته است.^{۱۰۸} استقرار

104. Marco Lorefice. *Gas Price Review Arbitrations*, Introduction

See also: Ana Stanič, and Graham Weale. "Changes in the European Gas Market and Price Review Arbitrations", *Journal Of ENergy & Natural Resources Law* 25. No.3 (2007) 324-344, 340.

105. Ibid.

106. Ibid., conclusion.

107. Stephen P Anway. et al. *The Evolution of Natural Gas Price Review Arbitrations*- introduction

See also: - Agosti, Luis, and Boaz Moselle. 2020. "Natural Gas Price Review Arbitrations: Issues In Adopting Hub Indexation". In *Gas And LNG Price Arbitrations*, by James Freeman and Mark Levy., London: Globe Law and Business Ltd.

108. Ibid.

نظام قیمت‌گذاری مبتنی بر هاب‌های گازی در آسیا مستلزم تثبیت و تقویت این هاب‌هاست؛ فرآیندی که به‌طور طبیعی زمان‌بر است.^{۱۰۹} متخصصان این حوزه پیش‌بینی کرده بودند که همان گونه که در اروپا، تحولات بازار به بروز موجی از داوری‌های بازنگری قیمت انجامید، در آسیا نیز به تدریج چنین اختلافاتی افزایش خواهد یافت. این پیش‌بینی، اگرچه با شتاب کمتر، به‌مرور در حال تحقق است.^{۱۱۰}

۳. فرایند تجدیدنظر در قیمت

به‌طور خلاصه، فرایند تجدیدنظر در قیمت در قراردادهای خرید و فروش گاز طبیعی شامل مراحل زیر است:

- نخستین گام آن است که مشخص شود آیا اساساً تغییراتی که از آن‌ها با عنوان «محرک‌ها»^{۱۱۱} یاد می‌شود، در بازه زمانی معینی که «دوره بررسی»^{۱۱۲} نامیده می‌شود، رخ داده است؟
 - در گام دوم باید احراز شود که آیا در تاریخ بررسی،^{۱۱۳} این تغییرات در قیمت مندرج در قرارداد، منعکس شده‌اند؟
 - در گام سوم بررسی می‌شود که آیا این تغییرات بر ارزش بازار مربوط به گاز طبیعی تأثیر گذاشته‌اند؟
 - در آخرین گام، که همان مرحله اصلاح قیمت قراردادی است، باید مشخص شود که قیمت جدید با معیارهای پیش‌بینی شده در بند بازنگری قیمت، از جمله امکان فروش گاز به صورت اقتصادی و رقابتی مطابقت دارد. این مرحله با عنوان «آزمون بازار»^{۱۱۴} نیز شناخته می‌شود.^{۱۱۵}
- نحوه اجرای این سازوکار چندمرحله‌ای تجدیدنظر در قیمت، بسته به نحوه تنظیم و مفاد بند مربوطه در قرارداد، متفاوت خواهد بود.^{۱۱۶}

۱۰۹. عبدالرضا شجاعی، حسین سیمایی صراف و سیدمصطفی زین‌الدین، «تحول شرط بازبینی قیمت در قراردادهای خرید و فروش ال‌ان‌جی آسیا»، *مطالعات حقوق انرژی*، ۶، ۲ (۱۳۹۹): ۳۴۳.

<https://doi.org/10.22059/jrels.2021.310651.396>.

110. Stephen P Anway. et al. *The Evolution of Natural Gas Price Review Arbitrations*- introduction

111. Triggers.

112. Review Period.

113. Review Date.

114. Market Test.

115. Sorin Dolea. *Gas Price Arbitration Handbook*. 8.

116. Marco Loreface. *Gas Price Review Arbitrations*. Price Review Process

هرچند شرایط پیش‌بینی شده در بندهای بازنگری قیمت در هر قرارداد به‌طور خاص متفاوت است، این بندها در عمل معمولاً مجموعه‌ای از شرایط شکلی و ماهوی فرآیند تجدیدنظر را در بر می‌گیرند. در بخش شکلی، مواردی نظیر: ۱. توالی مجاز درخواست بازبینی قیمت و موارد استثنا^{۱۱۷} ۲. ضرورت ارسال اخطار به طرف مقابل ۳. پیش‌بینی دوره مذاکره اجباری^{۱۱۸} پیش از ارجاع اختلاف به داوری و در بخش ماهوی نیز مواردی نظیر: ۱. تعیین رویداد محرک^{۱۱۹} ۲. ارزیابی پایداری تغییرات رخ داده ۳. اثرگذاری بر ارزش گاز طبیعی و ۴. تعیین معیارهای اصلاح قیمت، پیش‌بینی می‌شود.^{۱۲۰} با وجود پیش‌بینی شرایط مربوط به فرآیند تجدیدنظر در قیمت در بند مربوطه، در عمل و تقریباً در تمامی موارد، این فرآیند بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی است که در ظاهر به نظر می‌رسد.^{۱۲۱} در بخش بعدی، چالش‌های احتمالی در فرآیند تجدیدنظر در قیمت که متأثر از نحوه تنظیم بند مربوطه در قرارداد است، بررسی خواهد شد.

۴. موضوعات و چالش‌های رایج در اجرای بند تجدیدنظر در قیمت

عموماً بندهای تجدیدنظر در قیمت به‌صورت کلی تنظیم می‌شوند و از حیث تعیین شرایط شکلی و الزامات ماهوی و همچنین در خصوص حدود اختیارات داوران، با ابهام‌هایی همراه‌اند؛ که چنین ابهاماتی، چالش‌هایی را در تفسیر و اجرای بند مربوطه ایجاد خواهد کرد.

۴-۱. اعلامیه بازبینی قیمت

جدا از اهمیت تحقق رویداد محرک برای درخواست بازبینی قیمت، نحوه ارجاع به چنین تغییراتی در اعلامیه بازبینی قیمت نیز بسیار حائز اهمیت است. به موجب بندهای بازبینی قیمت، عموماً چنین الزامی پیش‌بینی می‌شود که طرف متقاضی بازبینی قیمت باید اعلامیه‌ای را به طرف مقابل ارائه و رویداد محرکی را که معتقد است برای او حق بازبینی قیمت ایجاد کرده، مشخص کند. چنین اعلامیه‌ای عموماً تحت عنوان اعلامیه بازبینی قیمت^{۱۲۲} شناخته می‌شود.^{۱۲۳} یکی از مسائل قابل طرح در داوری این است که آیا رویدادهای محرکی که طرف درخواست‌کننده در داوری بر آن تکیه می‌کند، به‌درستی در اعلامیه بازبینی قیمت مشخص شده‌اند؟ در غیر این صورت، ممکن

117. Wildcard.

118. Mandatory Negotiation Period.

119. Trigger Event.

120. Stephen P Anway, et al. *The Evolution of Natural Gas Price Review Arbitrations*. 5-6 - price review clause.

121. Marco Loreface. *Gas Price Review Arbitrations*. Price Review Process

122. Price Review Notice.

123. Mark Levy. *Gas Price Arbitration; a practical handbook*. 15.

است چنین استدلال شود که ادعاهای خواهان در رابطه با رویدادهای محرکی که پیش‌تر در اعلامیه بازبینی قیمت مشخص نشده است، غیرقابل‌پذیرش است یا دیوان دآوری صلاحیت رسیدگی به چنین ادعاهایی را ندارد.^{۱۲۴}

تعیین این که آیا اعلامیه ارسالی از حیث مراتب اعلامی، کامل و جامع^{۱۲۵} محسوب می‌شود یا خیر، باید در چارچوب الزامات پیش‌بینی شده در بند تجدیدنظر در قیمت قراردادی انجام گیرد. عموماً اعلامیه‌های ارائه‌شده بسیار مختصر هستند زیرا خواهان بازبینی قیمت تمایل دارد گزینه‌های خود را برای ارائه دلایل توجیهی و اثباتی در حمایت از موضع خود باز نگه دارد تا بتواند استدلالی دقیق‌تر مطرح کند یا قیمت بازبینی‌شده خاصی را که مدنظر اوست، ارائه دهد. البته این امر می‌تواند در نهایت چالش‌برانگیز باشد و این ایراد مطرح شود که در اعلامیه ارسالی، دلایل ضرورت بازبینی قیمت و شرایط تحقق رویداد محرک ارائه نشده است.^{۱۲۶}

در پرونده شماره ۹۸۱۲ اتاق بازرگانی بین‌المللی،^{۱۲۷} موضوع کفایت مفاد اطلاعیه بررسی شد. در اعلامیه ارسالی خواهان برای درخواست بازبینی قیمت، «تأثیر مالیات آتی گاز» بر قیمت گاز طبیعی به‌عنوان تنها تغییر اقتصادی مرتبط جهت درخواست بازنگری قیمت عنوان شده بود. با این حال، خواهان در دآوری، به موارد دیگری از جمله تغییر ارزش مرزی گاز فرآوری‌شده، تغییر در نوسانات قیمت نفت در کشورهای همسایه، و کاهش حق بیمه گاز طبیعی نیز استناد کرد. از منظر دیوان دآوری، باید بین تغییرات ادعایی جدید و دلایل اثباتی جدید، تمایز قائل شد؛ به گونه‌ای که تغییرات جدیدی که در محدوده درخواست بازبینی قیمت نیامده باشد، در دآوری قابل بررسی نیست، در حالی که دلایل تکمیلی یا متفاوتی که برای اثبات درخواست بازبینی قیمت مطرح می‌شود، در دآوری قابل بررسی خواهد بود.^{۱۲۸}

دیوان همچنین اعلام داشت که هرگونه مدرک و دلایل اثباتی در مورد درخواست بازنگری قیمت که به‌طور خاص در اعلامیه درخواست بازبینی قیمت اولیه ذکر نشده باشد، باید الزاماً در محدوده درخواست بازنگری قیمت قرار گیرد و به اندازه کافی با شرایط شناسایی‌شده مرتبط باشد. در نهایت دیوان مقرر کرد که به‌جز وضع مالیات گاز، سایر تغییرات ادعایی خواهان، نه در اعلامیه درخواست بازبینی قیمت اولیه ذکر شده‌اند و نه به مالیات گاز مرتبط هستند؛ از این رو این تغییرات در دآوری قابل بررسی نیستند.^{۱۲۹}

124. Ibid.

125. Adequacy of the Notice.

126. Steven Sparling et al. *Taming Price Review Clauses: Lessons From The Transactional And Arbitration Battlefields*. 6.

127. International Chamber of Commerce (ICC).

128. Mark Levy. *Gas Price Arbitration; a Practical Handbook*. 15.

129. Ibid.

موضوع مشابهی در قضیهٔ اسو و ای.اس.بی.^{۱۳۰} مورد توجه دادگاه‌های انگلستان قرار گرفت. در این دعوا، موضوع این بود که در صورتی که فروشنده درخواست بازبینی قیمت نامعتبر ارائه کرده باشد، آیا دیوان داوری صلاحیت رسیدگی به اختلاف بازبینی قیمت را خواهد داشت؟ در قرارداد منعقد شده میان طرفین، چنین مقرر شده بود که صرفاً در صورتی که قیمت قرارداد، کمتر از آستانهٔ خاصی باشد، هر یک از طرفین می‌تواند درخواست بازنگری قیمت مطرح کند. در نهایت دادگاه به این نتیجه رسید که چون فروشنده در محاسبهٔ مربوطه مرتکب اشتباه شده است، درخواست بازبینی قیمت وی بی‌اعتبار تلقی می‌شود. در نتیجه، اساساً اختلافی که قابلیت ارجاع به داوری داشته باشد، ایجاد نشده و داوران نیز صلاحیت تصمیم‌گیری در خصوص این اختلاف را ندارند.^{۱۳۱}

۲-۴. مذاکرهٔ اجباری

به موجب بندهای تجدیدنظر در قیمت، عموماً چنین الزامی پیش‌بینی می‌شود که پس از ارسال اعلامیهٔ بازبینی قیمت، طرفین موظف‌اند برای مدت معینی وارد مذاکره شوند و چنانچه پس از پایان این دوره، توافقی حاصل نشود، موضوع قابل ارجاع به داوری خواهد بود.^{۱۳۲} چالش‌های احتمالی در این خصوص آن است که مدت و دورهٔ مذاکرهٔ اجباری دقیقاً چه مقدار باید باشد و آیا انجام چنین مذاکره‌ای اجباری است؟ بدین معنا که تا پیش از پایان دورهٔ مقرر برای مذاکره یا توافق مشترک طرفین، امکان آغاز فرآیند داوری وجود ندارد؟^{۱۳۳} همچنین این پرسش مطرح است که آیا اسناد مبادله‌شده یا نظرات ارائه‌شده در دورهٔ مذاکره در فرآیند داوری قابل پذیرش است؟ اگرچه غالباً آنچه تصریح می‌شود و مورد توافق طرفین قرار می‌گیرد این است که مباحث و مطالب مبادله‌شده در دورهٔ مذاکره، محرمانه بوده و بدون هیچ‌گونه امتیازی باید تلقی شود؛ بنابراین چنین مطالبی در داوری یا در هیچ فرآیند رسیدگی قانونی قابل استناد نیست.^{۱۳۴}

۳-۴. رویداد محرک

نخستین گام در فرآیند تجدیدنظر در قیمت آن است که مشخص شود آیا شروط مربوط به رویداد محرک برآورده شده است یا خیر؟ در این مرحله، خواهان بازبینی قیمت باید اثبات کند که رویداد

130. Esso vs ESB.

131. Ibid.

132. Ibid.

133. Steven Sparling, et al. *Taming Price Review Clauses: Lessons From The Transactional And Arbitration Battlefields*. 6.

134. Ibid., 7.

محرك تحقق یافته است. هرچه این شرط در بند تجدیدنظر در قیمت واضح تر و دقیق تر تنظیم شده باشد، تشخیص تحقق آن آسان تر خواهد بود. گاه ممکن است شرط صریح و روشنی برای فعال سازی فرآیند بازبینی قیمت در قرارداد وجود نداشته باشد و تنها «تغییر قابل توجه در شرایط اقتصادی یا بازار گاز»^{۱۳۵} به عنوان مبنای بازبینی قیمت پیش بینی شده باشد.^{۱۳۶}

در این خصوص، فضای زیادی برای بحث درباره تعریف تغییرات قابل توجه و بازار گاز طرف خریدار وجود خواهد داشت.^{۱۳۷} یکی از راه های اجتناب از چنین مشکلات تفسیری، درج معیار مشخص برای رویداد محرك در قرارداد است. برای نمونه، در قرارداد میان اسو و ای.اس.بی، بازبینی قیمت، مشروط به انحراف قیمت قرارداد از قیمت بازار به میزان درصد معینی شده بود. مزیت چنین بندهایی آن است که اطمینان بیشتری برای طرفین نسبت به شرایط فعال شدن سازوکار بازبینی قیمت ایجاد می کند و در نتیجه، احتمال بروز نتایج نامشخص یا مبهم را کاهش می دهد.^{۱۳۸} در یکی از داوری های اتاق بازرگانی بین المللی در سال ۲۰۱۴ نیز این موضوع مطرح شد و دیوان داوری تشخیص داد که افزایش پایدار ۲۵ درصدی قیمت نفت برنت طی دوره بررسی، به عنوان تغییر قابل توجه محسوب می شود.^{۱۳۹}

موضوع قابل توجه دیگر، دوره تغییرات مربوطه است؛ یعنی این تغییرات در چه بازه زمانی باید رخ داده باشد. به طور معمول، فعال شدن فرایند بازنگری قیمت، منوط به وقوع تغییرات پایدار و نه صرفاً موقت یا کوتاه مدت است.^{۱۴۰}

سؤال دیگر آن است که مبنای ارزیابی این تغییرات، کدام بازار است؟ چنانچه در بند مربوط به رویداد محرك، به بازاری خاص اشاره شده باشد، معمولاً تعریفی از آن بازار در قرارداد ارائه می شود. در این راستا، بسیاری از بندها، به عنوان نمونه، به بازار مصرف کننده نهایی خریدار یا بازار عمده فروشی مرتبط با قرارداد گازی اشاره دارند. با این حال، حتی با وجود چنین تعریفی، ممکن است هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر ماهیت آن، میان طرفین، اختلاف نظر بروز کند. این پرسش مطرح می شود که آیا کل بازار، موضوع نظر است یا بخش های خاصی از آن (مانند کاربران صنعتی، خانوارها یا برخی شرکت های رقیب عرضه کننده سوخت؟) برای اطمینان بیشتر، می توان گستره جغرافیایی یا ماهیت بازار را به طور دقیق در قرارداد تعیین کرد، هرچند باید توجه داشت که در طول مدت اجرای قرارداد گازی،

135. Significant Change in the Economic Circumstances or Gas Market.

136. Hamid Reza Oloumi Yazdi. et al. *Natural Gas Pricing and Price Review Challenges: Preparing for a More Competitive Global Market*. 8.

137. Steven Sparling et al. *Taming Price Review Clauses: Lessons From The Transactional And Arbitration Battlefields*. 5.

138. Mark Levy. *Gas Price Arbitration; a Practical Handbook*. 14.

139. Steven Sparling et al. *Taming Price Review Clauses: Lessons From The Transactional And Arbitration Battlefields*. 5.

140. Ibid.

ممکن است این عوامل، دستخوش تغییر شود و به تبع آن مشکلاتی پدید آید.^{۱۴۱} موضوع مورد بحث دیگر، شرط مربوط به غیرقابل پیش‌بینی بودن و خارج بودن رویداد محرک از توان و کنترل طرفین است. درج چنین الزامی در بند بازبینی قیمت، معمولاً با دو هدف صورت می‌گیرد: نخست، برای جلوگیری از آن که تغییراتی که پیش‌تر در توافق قیمتی موجود برای دوره مرجع در نظر گرفته شده‌اند، مجدداً به‌عنوان رویداد محرک مطرح شوند و دوم، برای پیشگیری از استناد به تغییراتی که ناشی از اقدامات عامدانه یا کنترل‌شده یکی از طرفین باشند. در هر دو حالت، احراز و اثبات دقیق تحقق این شرایط، از حیث شواهد و دلایل، معمولاً با چالش‌های قابل توجهی همراه است.^{۱۴۲}

۴-۴. معیار تعدیل قیمت

عموماً چالشی‌ترین مرحله که بسیار مورد بحث طرفین نیز هست، مرحله آخر فرآیند تجدیدنظر در قیمت، یعنی مرحله تعدیل قیمت است؛ مرحله‌ای که در آن داوران باید با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر بازار، روش و رویکرد مناسب برای تعدیل قیمت را به منظور لحاظ کردن تغییرات مؤثر حادث شده تعیین کنند؛ البته در هر گونه تعدیل قیمتی این اصل ملاک قرار می‌گیرد که به موجب قیمت جدید، خریدار باید بتواند گاز را در بازار به‌صورت اقتصادی و رقابتی به فروش برساند، به نحوی که امکان فروش گاز با حاشیه معقول^{۱۴۳} خریدار فراهم باشد.^{۱۴۴} به عبارتی کسب سودی معقول برای وی فراهم باشد. چالش‌ها و اختلاف‌نظرهای احتمالی در این زمینه، به رویکرد تعدیل قیمت و محدوده اصلاح قیمت مربوط می‌شود که در ادامه بررسی خواهد شد.

الف. رویکرد تعدیل قیمت

به‌طور کلی، دو رویکرد در بازنگری قیمت مطرح است: نخست، رویکرد تکاملی که در آن، دیوان داوری معامله اصلی طرفین را مبنا قرار می‌دهد و می‌کوشد توازن معامله اولیه را میان آن‌ها برقرار سازد و دوم، رویکرد انقلابی که در آن، بازنگری قیمت با توجه کم یا بدون توجه به معامله اولیه انجام می‌گیرد. این که دیوان داوری کدام‌یک از این رویکردها را در پیش گیرد، بستگی به مفاد بند تجدیدنظر در قیمت دارد. البته در صورت نبود پیش‌نویس روشن و صریح، پیشنهاد می‌شود که قصد احتمالی طرفین، در اتخاذ رویکرد تکاملی در نظر گرفته شود، چرا که به احتمال قوی، هدف طرفین از درج بند بازنگری قیمت، بازگرداندن توازن معامله اولیه در زمان انعقاد قرارداد یا در آخرین

141. Ibid.

142. Ibid.

143. Reasonable Margin.

144. Marco Loreface. *Gas Price Review Arbitrations*. Changing The Indexation Formula
See also : Griffin, Paul, and Van Eupen Frances. "The Future for Price Reviews". In *Gas Price Arbitrations: A Practical Handbook*. (London: Globe Law and Business, 2014).

دوره بازنگری قیمت بوده است.^{۱۴۵}

دیوان داوری می‌تواند از طرق گوناگونی نسبت به تعدیل قیمت قراردادی اقدام کند. در یک شیوه، دیوان می‌کوشد قیمت را با نوسانات بازار همسو کند؛ به گونه‌ای که قیمت جدید، بازتاب‌دهنده تغییرات رخ داده در بازار باشد. در این الگو، دیوان باید میزان انحراف قیمت قرارداد از قیمت بازار را در زمان انعقاد معامله (یا آخرین بازنگری قیمت) تعیین کند و این میزان را در قیمت اصلاح‌شده حفظ کند در این رویکرد، به جای ارزش‌گذاری مجدد گاز، اثر تغییرات ارزش بازار و انعکاس آن در قیمت بازنگری شده مدنظر قرار می‌گیرد. بدین منظور، تعیین قیمت بازار در تاریخ انعقاد معامله و همچنین قیمت معادل آن در زمان تعدیل، ضرورت می‌یابد. در مواردی که عوامل دیگری همچون حجم تضمین‌شده، میزان انعطاف‌پذیری و مدت قرارداد نیز باید برای تعیین قیمت بازار لحاظ شود، فرآیند تعیین قیمت بازار می‌تواند بسیار پیچیده و دشوار شود، به‌ویژه با توجه به اینکه این‌گونه توافقات، غالباً محرمانه هستند.^{۱۴۶}

در شیوه دیگر، دیوان قیمت جدید را با استناد به ضابطه یا معیارهایی معین تعیین می‌کند که ممکن است با معیارهای اولیه طرفین، تفاوت داشته باشد.^{۱۴۷}

در نهایت، نقش دیوان در حل و فصل اختلافات بازنگری قیمت، بسیار تعیین‌کننده است و می‌تواند به اشکال مختلف بروز کند: تحمیل قیمت عادلانه و منصفانه به طرفین؛ قرارداد خود در جایگاه طرفین و تلاش برای انعقاد معامله‌ای که طرفین در صورت امکان توافق، آن را منعقد می‌کردند؛ حفظ هرچه بیشتر معامله اولیه، هرچند در راستای بازتاب‌دادن شرایط جدید، ناگزیر از تعدیل آن باشد و در نهایت، اعمال دقیق معیارهای تعیین‌شده در بند تجدیدنظر در قیمت.^{۱۴۸}

از منظر طرفین، آغاز فرآیندی که طی آن به داورانی عمدتاً دارای تخصص حقوقی اختیار داده می‌شود تا حیاتی‌ترین عنصر تجاری قرارداد بلندمدت گاز یعنی قیمت را تنظیم کنند، امری چالش‌برانگیز به شمار می‌رود. در برخی موارد، طرفین در بند بازنگری قیمت تصریح می‌کنند که تعدیل قیمت از سوی دیوان داوری باید به چه نحوی انجام گیرد. گاه قراردادهای گازی حاوی نوعی بیانیه هستند که در آن رویکرد اتخاذی طرفین در تدوین فرمول اولیه قیمت و انتظارات آن‌ها از بازنگری قیمت در طول مدت قرارداد، تبیین می‌شود. چنین بیانیه‌ای می‌تواند در تصمیم‌گیری دیوان در خصوص رویکرد مناسب برای تعدیل قیمت مؤثر باشد.^{۱۴۹}

145. Sorin Dolea. *Gas Price Arbitration Handbook*. 35.

146. Steven Sparling. et al. *Taming Price Review Clauses: Lessons From The Transactional And Arbitration Battlefields*. 8.

147. Ibid.

148. Ibid.

See also: - Mehren G., Von, *The Arbitrator's Role. Gas Price Arbitrations: A Practical Handbook*. (London: Globe Law and Business. 2014).

149. Ibid.

فارغ از مفاد قرارداد، عوامل دیگری همچون سیر مذاکرات و بستر تجاری قرارداد، قانون حاکم بر قرارداد و پیشینه داوران نیز در تعیین رویکرد احتمالی دیوان و نوع شواهدی که مبنای تصمیم قرار می‌گیرند، نقش دارند. برای نمونه، در حقوق انگلستان، ارائه شواهد مربوط به مذاکرات، پیش از انعقاد قرارداد برای اثبات قصد و نیت طرفین در تدوین بند بازنگری قیمت پذیرفته نیست؛ حال آنکه در برخی نظام‌های حقوقی دیگر، امکان استناد به مواضع و شواهد مربوط به مذاکرات مقدماتی وجود دارد و این امر می‌تواند دادگاه یا دیوان داوری را در انتخاب رویکرد مناسب، متمرکز کند.^{۱۵۰}

ب. محدوده تغییر قیمت

اصلی‌ترین موضوع مورد بحث در مرحله تعدیل قیمت، چارچوب اختیارات داوران برای تعیین قیمت جدید قراردادی است. به‌طور کلی، فرمول قیمت در قراردادهای گازی که مبتنی بر شاخص‌گذاری نفت تنظیم می‌شود، معمولاً از دو بخش تشکیل می‌شود: P_0 (مقدار ثابت اولیه که به‌عنوان قیمت پایه در زمان انعقاد قرارداد توافق شده است) و جزء شاخص‌ساز^{۱۵۱} (ضریبی که ارتباط قیمت قرارداد را با شاخص مربوطه تعیین می‌کند).^{۱۵۲}

در خصوص این موضوع که آیا دیوان صرفاً موظف است فرمول قیمت را تنها تا حدی اصلاح کند که برای انعکاس تغییرات اثبات‌شده ضروری باشد، ممکن است اختلاف‌نظرهایی مطرح شود. گاه طرفین ادعا می‌کنند که تنها باید قیمت پایه تغییر کند؛ در مقابل، ممکن است ادعا شود که لازم است سایر اجزای فرمول قیمت، مانند ضریب شاخص‌ساز نیز تعدیل شود. همچنین ممکن است بحث شود که آیا اساساً دیوان مجاز است شاخص قیمت را تغییر دهد (برای مثال، از نفت و فرآورده‌های نفتی به شاخص قیمت بازار گاز یا هاب گازی)، یا چنین تغییری خارج از حدود اختیارات دیوان محسوب می‌شود. برای جلوگیری از بروز چنین مناقشاتی، تعیین دامنه اختیارات دیوان داوری و نحوه اعمال آن در بند تجدیدنظر در قیمت، با شفافیت کامل، بسیار اهمیت دارد.^{۱۵۳}

اگرچه آرای داوری در بازنگری قیمت، عموماً محرمانه تلقی می‌شوند، بررسی تعداد محدودی از آرای منتشرشده می‌تواند دیدگاه ارزشمندی در مورد رویکردهای داوران و دامنه اختیارات آن‌ها ارائه کند. برای نمونه: در پرونده گازپروم روسیه و شرکت چندملیتی انرژی آلمانی (RWE) در سال ۲۰۱۳، در حالی که قرارداد اولیه مبتنی بر شاخص نفت بود، دیوان در نهایت یک عنصر شاخص‌سازی دیگر برای قیمت‌های لحظه‌ای گاز را به فرمول افزود. در پرونده *ادیسون و انی* (سال

150. Ibid.

151. Indexation Component.

152. Marco Lorefine. *Gas Price Review Arbitrations*. Price Review Process

153. Steven Sparling, et al. *Taming Price Review Clauses: Lessons From The Transactional And Arbitration Battlefields*. 7.

۲۰۱۵)، دیوان شاخص قیمت را از نفت به قیمت گاز در بازار خریدار تغییر داد.^{۱۵۴} در پرونده *آتلانتیک ال/ان جی و گس نچرال*، دیوان علاوه بر تغییر شاخص، یک سازوکار جدید دوبرخی برای قیمت‌گذاری در قرارداد معرفی کرد، در حالی که هیچ‌کدام از طرفین، چنین درخواستی را مطرح نکرده بودند. این اقدام باعث شد برخی استدلال کنند که دیوان با ورود به موضوعات خارج از محدوده *خواستۀ* طرفین،^{۱۵۵} از اختیارات خود فراتر رفته است.^{۱۵۶} در این پرونده، فروشنده علیه رأی دیوان به دادگاه منطقه‌ای ایالات متحده اعتراض کرد و مدعی شد که دیوان با بازنویسی قرارداد، فراتر از صلاحیت خود عمل کرده است و چنین تغییری در قصد مشترک طرفین وجود نداشته است. با این حال، دادگاه در نهایت، رأی دیوان را تأیید و چنین استدلال کرد که بند بازنگری قیمت در قرارداد، محدودیت خاصی برای نحوه اصلاح ساختار قیمت پیش‌بینی نکرده بود و در نتیجه، دیوان از حدود صلاحیت خود خارج نشده است.^{۱۵۷} درس مهمی که از این پرونده می‌توان آموخت این است که بند تجدیدنظر در قیمت باید تا حد امکان با صراحت و وضوح تنظیم شود تا داوران یا کارشناسان مربوطه را در انجام دقیق و منطبق با قصد طرفین در فرآیند بازنگری قیمت راهنمایی کند.^{۱۵۸}

ج. بندهای «در هر صورت»^{۱۵۹}

در بسیاری از موارد، بند بازبینی قیمت متضمن این شرط است که خریدار در هر شرایطی باید بتواند گاز را به‌صورت اقتصادی در بازار خود عرضه کند.^{۱۶۰} چنین بندهایی به بندهای «در هر صورت» شناخته می‌شوند.

اگرچه در ظاهر این موضوع، ساده به نظر می‌آید، در عمل می‌تواند منشأ اختلاف نظرهای قابل توجهی بین طرفین شود.

نخستین پرسش این است که آیا این بند، سود خریدار را تضمین می‌کند؟ چنانچه پاسخ مثبت باشد، میزان سود تضمینی چقدر باید باشد؟ همچنین این پرسش مطرح می‌شود که آیا استاندارد عینی (مانند استاندارد یک اپراتور محتاط و کارآمد)^{۱۶۱} باید ملاک قرار گیرد یا باید عنصر ذهنی (به‌گونه‌ای که شرایط واقعی خریدار نیز در نظر گرفته شود) در تفسیر بند وارد شود؟^{۱۶۲} مسئله مهم دیگر این است که دوره زمانی که برای ارزیابی این شرط باید لحاظ شود کدام است. به‌عنوان مثال، در

154. Ibid., 9.

155. Ultra Petita.

156. Marco Loreface. *Gas Price Review Arbitrations*. Changing Indexation Formula

157. Peter Roberts, *Gas and LNG Sales and Transportation Agreement: Principles and Practic*. 85.

158. Ibid.

159. "In Any Case" Clause.

160. Steven Sparling. *et al. Gas and LNG Sales and Transportation Agreement: Principles and Practic*. 9.

161. objective standard of a prudent and efficient operator

162. Ibid.

مواردی که در طول عمر قرارداد گازی، نوسانات قیمت وجود داشته است، آیا دوره‌های گذشته که در آن خریدار، سوددهی داشته نیز باید در تحلیل گنجانده شود؟^{۱۶۳}

بر اساس متن قرارداد، ممکن است استدلال طرفین متفاوت باشد: خریدار می‌تواند استدلال کند که منظور از عبارت «عرضه اقتصادی گاز»، توانایی کسب حاشیه سود مثبت است. در مقابل، فروشنده می‌تواند چنین استدلال کند که در صورت فقدان شرط خاص در قرارداد، نمی‌توان تفسیر کرد که این بند متضمن تعهد به تضمین حاشیه سود مثبت برای خریدار است.^{۱۶۴}

برای تعیین حاشیه سود مناسب برای خریدار، سه رویکرد اصلی در رویه‌ها و تحلیل‌های دآوری مشاهده می‌شود:^{۱۶۵}

۱) رویکرد بازگرداندن حاشیه^{۱۶۶}

در این رویکرد، هدف، بازگرداندن حاشیه سودی است که در زمان انعقاد قرارداد به‌طور ضمنی یا صریح برای خریدار منظور شده بود. این رویکرد معمولاً با توجه به قیمت‌های بازار در بازار خریدار و ساختار بازار مصرف تحلیل می‌شود.^{۱۶۷}

۲) رویکرد حاشیه معقول^{۱۶۸}

در این شیوه، تعیین حاشیه معقول، مستلزم در نظر گرفتن مجموعه‌ای از عوامل است، از جمله: عنصر سود خالص مبتنی بر میانگین بازده خالص برای معاملات مشابه در بازار خریدار؛ هزینه‌های بازاریابی و فروش گاز، هزینه‌های تدارکات و تحویل و ارزیابی ریسک پذیرفته‌شده توسط خریدار طبق قرارداد.^{۱۶۹}

۳) رویکرد حاشیه عادلانه^{۱۷۰}

این رویکرد، به‌ویژه در مواردی مناسب است که در فرمول قیمت قرارداد، کف قیمتی برای گاز پیش‌بینی شده باشد. در این حالت می‌توان اختلاف میان قیمت کف و قیمت فروش قراردادی را به‌عنوان حاشیه سود فروشنده در نظر گرفت. سپس داوران می‌توانند با توجه به این معیار، حاشیه

163. Ibid., 10.

164. Nilofar Heydari Roochia and Nasrollah Ebrahimi. "Gas Price Arbitration in The Light of exerts' Role: A Conceptual Analysis with a Reference to Iran-Turkey Case." *Petroleum Business Review* 3. 7 (2019): 17. <https://doi.org/10.22050/pbr.2019.112867>

165. Marco Lorefice. *Gas Price Review Arbitrations*. Market Test: Setting The New Price

166. The Restoration Margin Approach.

167. Ibid.

168. The Reasonable Margin Approaches.

169. Ibid.

170. The Equitable Margin Approaches.

عادلانه‌ای برای خریدار نیز مشخص کنند.^{۱۷۱}

۵. نکات اصلی در تنظیم بند تجدیدنظر در قیمتی کارآمد و مؤثر

در حالی که داورهای ناظر بر بازبینی قیمت، بسیاری از ویژگی‌های داورهای تجاری را دارند، از جهات متعددی با آن‌ها متفاوت‌اند. موضوع مورد بررسی در این داورها، قیمت مورد مذاکره است که عموماً در اختیار طرفین قرار دارد و برای آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. بررسی صحیح این موضوع از سوی دیوان داور، افزون بر دانش حقوقی، مستلزم برخورداری از تخصص تجاری نیز هست که صرف تجربه به‌تنهایی کفایت نمی‌کند. در غیر این صورت، ممکن است نتایجی به دست آید که از منظر طرفین اختلاف، فاجعه‌بار و غیرمنتظره باشد. با این حال، می‌توان با تنظیم بندهایی اصولی و ارائه راهنمایی دقیق و روشن به دیوان، سطح ریسک را کاهش داد.^{۱۷۲} با توجه به ملاحظات مربوط به قیمت‌گذاری گاز و همچنین با در نظر گرفتن مناقشات احتمالی در فرآیند بازبینی قیمت که در بخش‌های پیشین بررسی شد، ضروری است در تنظیم بند بازبینی قیمت، این ملاحظات با هدف محدود کردن دامنه اختلافات، مورد توجه قرار گیرد. این ملاحظات را می‌توان به‌طور خلاصه در چهار محور اصلی دسته‌بندی کرد: ۱. قیمت و ارزش گاز ۲. معامله اولیه و توازن اقتصادی ۳. معیار محرک و رویکرد تعدیل قیمت و ۴. محدوده تجویزی کردن فرایند تجدیدنظر در قیمت، که در ادامه بررسی خواهند شد.

۵-۱. قیمت و ارزش گاز

پیش‌تر ملاحظات ناظر بر قیمت‌گذاری گاز بیان شد؛ از جمله ضرورت تفکیک میان قیمت اسمی و قیمت واقعی، در نظر گرفتن شروط تجاری و انعطاف‌پذیری در قیمت و ارزش گاز و سایر نکات ضروری. این ملاحظات، نه فقط در تعیین قیمت و ارزش‌گذاری اولیه، بلکه در بند تجدیدنظر در قیمت و فرآیند مربوط به آن نیز باید مدنظر قرار گیرد.

ارزش‌گذاری صحیح قراردادهای بلندمدت، نه‌تنها در زمان انعقاد و قیمت‌گذاری، بلکه در هنگام مذاکره مجدد در خصوص عوامل قراردادی از جمله بازبینی قیمت، از اهمیت بالایی برخوردار است. ضروری است ارزش عوامل انعطاف‌پذیر و شروط تجاری مهم در تعیین قیمت این قراردادها در مرحله بازبینی قیمت نیز لحاظ شود.^{۱۷۳}

اساساً بند تجدیدنظر در قیمت نباید به‌طور مجزا و بدون در نظر گرفتن سایر عوامل قراردادی

171. Ibid.

172. Mark Levy. *Gas Price Arbitration; a Practical Handbook*. 20.

173. Holden, Laris, Ander Loland, and Ola Lindqvist, "Valuation of Long-Term Flexible Gas Contracts". *The Journal of Derivatives* (2011).

تنظیم شود، بلکه باید به‌عنوان بخشی از معامله گسترده‌تر مورد مذاکره قرار گیرد و در زمان اجرای فرآیند بازمینی قیمت نیز مفاد این بند باید در چارچوب کلی قرارداد، تفسیر و اعمال شود.^{۱۷۴}

۵-۲. معامله اولیه^{۱۷۵} و توازن اقتصادی

در بندهای تجدیدنظر در قیمت که تغییر قیمت را در برابر ارزش گاز ارزیابی می‌کنند، معامله ذاتی منعکس شده در فرمول قیمت اولیه، وزن قابل توجهی دارد. چنین بندهایی معمولاً با هدف بازآفرینی رابطه میان قیمت قراردادی و ارزش گاز، چنان که در فرمول قیمت اولیه (معامله اصلی) انعکاس یافته است، امکان تجدیدنظر در فرمول قیمت را فراهم می‌آورند. از این رو تعریف روشن و دقیق این معامله اولیه، نقشی کلیدی در تفسیر و اجرای بند بازمینی قیمت ایفا می‌کند.^{۱۷۶}

با توجه به تنوع شرایط قراردادهای فروش گاز، بندی از نوع بازمینی قیمت که در یک قرارداد مؤثر و مطلوب است، ممکن است برای قرارداد دیگر مناسب نباشد. عواملی نظیر انتخاب قانون حاکم و قانون مقر داوری، شرایط تجاری و درجه انعطاف‌پذیری قرارداد، قدرت چانه‌زنی و موقعیت هر یک از طرفین در مذاکرات، منافع اصلی طرفین، مواضع آن‌ها در فرآیند مذاکره و وضعیت بازار در زمان انعقاد معامله اولیه، همگی بر شکل‌گیری و کارکرد بند بازمینی قیمت اثرگذارند و در هر قرارداد به‌گونه‌ای متفاوت ظاهر می‌شوند.^{۱۷۷}

توازن اقتصادی قرارداد گاز، از یک سو از رهگذر ترتیبات قیمت‌گذاری و فرمول قیمت و از سوی دیگر از طریق ارزش گاز، شامل شروط انعطاف‌پذیری و ارزش تعهدات خدماتی فروشنده (مانند تعهدات تأمین مستمر عرضه و تضمین کیفیت گاز)، تعیین می‌شود. طرفین معمولاً مایل‌اند بند بازمینی قیمت، ابزاری برای بازگرداندن توازن اقتصادی قرارداد، آن‌گونه که در زمان انعقاد قرارداد میان ایشان برقرار بود، باشد، نه ابزاری برای اصلاح آن.^{۱۷۸}

بند تجدیدنظر در قیمت، اغلب می‌تواند قرینه‌ای برای شناخت قصد طرفین در تعیین معامله اولیه و نوع تحولاتی باشد که باید در قیمت جدید بازتاب یابند؛ به‌ویژه اگر این بند به‌روشنی در خصوص فلسفه بنیادی قیمت‌گذاری (اعم از مبتنی بر هزینه فروشنده، متغیر معین یا ارجاع به سوخت‌های رقیب)، عوامل مؤثر در قیمت جدید، نحوه تخصیص ریسک به طرفین در زمان انعقاد قرارداد (و تداوم آن در آینده) و بازار مرجع برای تغییر قیمت تصریح کرده باشد.^{۱۷۹}

174. Steven Sparling. et al. *Taming Price Review Clauses: Lessons From The Transactional And Arbitration Battlefields*. 4.

175. Original Bargain.

176. Noradèle Radjai. et al. *Relevance of original bargain in gas price reviews*. 2.

177. Steven Sparling. et al. *Taming Price Review Clauses: Lessons From The Transactional And Arbitration Battlefields*. 4.

178. Noradèle Radjai. et al. *Relevance of original bargain in gas price reviews*. 2.

179. Ibid.

۵-۳. معیار محرک و رویکرد تعدیل قیمت

همان گونه که در بخش‌های پیشین اشاره شد، چارچوب رویداد محرک، یعنی بروز تغییرات قابل توجه در بازار، همواره محل چالش است و تعیین دقیق آن می‌تواند دامنه اختلافات آتی را محدود کند. در خصوص رویکرد تعدیل قیمت نیز با وجود امکان اتخاذ دو رویکرد متفاوت، یعنی رویکرد انقلابی (بازنگری اساسی در سطح قیمت) یا تکاملی (بازگشت به توازن اقتصادی اولیه)، هدف اصلی طرفین، غالباً بازگرداندن توازن اقتصادی اولیه قرارداد است و نه اصلاح بنیادین آن؛ نکته‌ای که در صورت توافق، بهتر است به‌صراحت در بند بازبینی قیمت قید شود. در بندهای «در هر صورت» نیز که در آن‌ها ممکن است داوران به دنبال اعطای حاشیه سود به خریدار باشند، می‌توان از پیش در قرارداد تصریح کرد که کدامیک از معیارهای «حاشیه عادلانه»، «حاشیه منطقی» یا «بازیابی حاشیه»، مبنای تعیین قیمت جدید قرار گیرد.

۵-۴. محدوده تجویزی کردن فرآیند تجدیدنظر در قیمت

سازوکارهای سنتی بازنگری قیمت، اغلب با درجاتی از ابهام همراه بوده‌اند؛ ابهامی که معمولاً به تفاسیر متفاوت از فرآیند بازنگری میان طرفین منجر می‌شود.^{۱۸۰} در عمل، دامنه مجاز دخالت دیوان داوری در تعیین قیمت جدید به محدوده پیش‌بینی شده در بند بازبینی قیمت بستگی خواهد داشت. هر چه این بند، جنبه دستوری بیشتری داشته باشد، نتیجه آن برای طرفین قابل پیش‌بینی‌تر خواهد بود. البته در این میان باید تعادلی میان ایجاد اطمینان و شفافیت و حفظ انعطاف‌پذیری لازم برای مواجهه با تغییرات پیش‌بینی‌ناپذیر بازار برقرار شود. می‌توان برای دیوان داوری چارچوبی مقرر داشت که روشن کند چگونه باید (و چگونه نباید) به این موضوع بپردازد، بدون آن که انعطاف‌پذیری لازم در مواجهه با تحولات بازار از بین برود. در مواردی که نگرانی وجود دارد که احصای صریح برخی موارد ممکن است به محدود شدن یا حتی غیرقابل‌اجرا شدن بند بازبینی قیمت بینجامد، استفاده از عباراتی مانند «تا آنجا که امکان‌پذیر باشد»،^{۱۸۱} می‌تواند تضمین کند که فرآیند مذکور در هر شرایطی قابلیت اجرا داشته باشد.^{۱۸۲}

۶. نمونه بندهای تجدیدنظر در قیمت

برای درک بهتر ملاحظات مربوط به تنظیم بند تجدیدنظر در قیمت، چند نمونه از این بندها در قراردادهای مختلف گازی که به‌واسطه بروز اختلافات، به داوری ارجاع شده‌اند، تحلیل و بررسی می‌شود.

180. Peter Roberts, *Gas and LNG Sales and Transportation Agreement: Principles and Practice*. 85.

181. So Far as Practicable.

182. Mark Levy, *Gas Price Arbitration; a Practical Handbook*. 17.

۱-۶. قرارداد منعقدہ بین شرکت نفت و گاز اوکراین و گازپروم روسیه (۱۹ ژانویه ۲۰۰۹)

قرارداد مورد بررسی از نوع قراردادهای بلندمدت مبتنی بر تعهد تحویل، همراه با شرط «برداشت یا پرداخت» است. در سال ۲۰۱۳، شرکت گازپروم با انگیزه‌های سیاسی، تخفیف اعطایی در قیمت را لغو کرد که در نتیجه، قیمت فروش گاز به‌طور ناگهانی و قابل توجهی نسبت به قیمت‌های بازار اروپا افزایش یافت. در پی این اقدام، شرکت نفت و گاز اوکراین در سال ۲۰۱۴ با استناد به بند بازنگری قیمت و با درخواست لغو مادهٔ مربوط به تعهد برداشت یا پرداخت،^{۱۸۳} موضوع را به داوری ارجاع داد و درخواست تعدیل قیمت را نیز مطرح کرد. مضمون کلی بند تجدیدنظر در قیمت در این قرارداد به این شرح است: در صورتی که یکی از طرفین اعلام کند که شرایط در بازار سوخت و انرژی نسبت به آنچه طرفین در زمان انعقاد قرارداد انتظار داشتند، به‌طور قابل توجهی تغییر کرده است و در نتیجه، قیمت قراردادی دیگر، بازتاب‌دهندهٔ سطح قیمت‌های بازار نباشد، طرفین موظف‌اند در خصوص تعدیل قیمت قرارداد، مطابق با مفاد قرارداد، وارد مذاکره شوند. درخواست بازنگری قیمت باید به‌صورت کتبی و مستند به دلایل اثباتی ارائه شود. پس از دریافت چنین درخواستی، طرفین ظرف ۲۰ روز مذاکرات خود را آغاز می‌کنند و در صورت حصول توافق، الحاقیهٔ لازم را امضا خواهند کرد. اگر ظرف سه ماه از آغاز مذاکرات، توافق کتبی در خصوص بازنگری قیمت حاصل نشود، هر یک از طرفین، حق خواهد داشت موضوع را برای اتخاذ تصمیم نهایی به داوری ارجاع دهد.

الزامات شکلی پیش‌بینی‌شده در این بند عبارت‌اند از: الزام به ارسال اعلامیهٔ کتبی همراه با دلایل اثباتی، دورهٔ مذاکرهٔ اجباری سه‌ماهه، تعیین معیار محرک به‌صورت «تغییر قابل توجه در بازار سوخت و انرژی» به‌عنوان معیار محرک (بدون ارائهٔ تعریف دقیق‌تر). در خصوص رویکرد و معیار تعدیل قیمت، شرایط خاصی در بند پیش‌بینی نشده بود. در فرآیند داوری، با توجه به فقدان صراحت و شفافیت در بند مذکور، چالش‌های متعددی در تفسیر و اجرای آن ایجاد شد؛ از جمله در خصوص تحقق معیار محرک، تعیین بازار مرجع، تعیین قیمت مرجع، رویکرد تعدیل قیمت و حدود صلاحیت داوران در تغییر فرمول قیمت.

گازپروم استدلال می‌کرد که بند مزبور صرفاً یک بند مذاکرهٔ مجدد است و اختیار تغییر فرمول قیمت به داوران اعطا نشده است. همچنین مدعی بود تغییرات قیمت ناشی از ایجاد هاب‌های گازی

^{۱۸۳} مقررات برداشت یا پرداخت، این گونه بود که نفت و گاز اوکراین باید ۸۰ درصد از ACQ را بدون توجه به اینکه گاز طبیعی را تحویل گرفته است یا خیر، پرداخت کند، بدون اینکه هیچ تضمینی برای تحویل گاز در آینده به‌عنوان گاز جبرانی دریافت نماید که با توجه به شرط مقصد که به موجب آن، شرکت نفت و گاز اوکراین از فروش گاز به خارج از اوکراین، منع بود و همچنین با وجود یک شرط فروش اجباری که شرکت نفت و گاز را موظف می‌کرد که ۲۵ درصد از گاز تحویل‌گرفته را به یکی از شرکت‌های تابعهٔ اوکراینی گازپروم بفروشد، شرطی ناعادلانه به نظر می‌آمد که در رأی صادره نیز تغییر کرد.

از قبل قابل پیش‌بینی بوده است. در مقابل، شرکت نفت و گاز معتقد بود معیار محرک تحقق یافته و بند مذکور در واقع بند تجدیدنظر در قیمت است که به داوران اختیار تصمیم‌گیری می‌دهد. در خصوص رویکرد تعدیل قیمت نیز با توجه به سکوت قرارداد، خواهان تعیین قیمتی عادلانه و منصفانه بود به گونه‌ای که امکان رقابت اقتصادی در بازار فروش گاز فراهم شود. دیوان داوری ضمن رد ایراد گازپروم نسبت به عدم صلاحیت دیوان، رأی داد که بر اساس بند مربوطه، شرکت نفت و گاز اوکراین، حق بازنگری قیمت را دارد و چنین بازنگری می‌تواند بر مبنای قیمت‌های هاب صورت گیرد. فرمول جدید قیمت و عناصر تشکیل‌دهنده آن، یا باید با توافق طرفین تعیین شود یا در صورت عدم توافق، توسط دیوان داوری پس از رسیدگی تکمیلی تعیین خواهد شد. گازپروم معتقد بود رأی جنبه سیاسی داشته و با توجه به اینکه علاوه بر فرمول قیمت، ماده برداشت یا پرداخت قرارداد نیز تغییر یافته است، این امر به نوعی موجب برهم‌خوردن توازن اساسی قرارداد شده است. گازپروم، رأی صادره را در دادگاه استکهلم به چالش کشید. نهایتاً طرفین در ۳۰ دسامبر ۲۰۱۹ با دستیابی به توافقی جدید، از کلیه دعاوی فعلی و آتی ناشی از قرارداد سال ۲۰۰۹ صرف‌نظر کردند.^{۱۸۴}

۶-۲. قرارداد خرید و فروش ال‌ان‌جی بین شرکت گس نچرال و شرکت آتلانتیک ال‌ان‌جی (۱۹۹۵)

قرارداد مورد بررسی، از نوع قراردادهای بلندمدت مبتنی بر تحویل است که به موجب آن، شرکت آتلانتیک، ال‌ان‌جی تولیدی از تأسیسات خود را در کارابین به مدت بیست سال به گس نچرال می‌فروخت. همچنین قرارداد پیش‌بینی می‌کرد که گس نچرال، محموله‌های ال‌ان‌جی تحویلی را به تأسیسات دریافت خود در اسپانیا یا نیوانگلند منتقل کند. در زمان انعقاد قرارداد، این فرض، مبنای قرار گرفت که در مراحل ابتدایی قرارداد (ترین یک)، ال‌ان‌جی به اسپانیا منتقل خواهد شد و از همین رو، فرمول قیمت قرارداد به بازار انرژی اروپا پیوند خورد. فرمول قیمت، مشتمل بر قیمت پایه و جزء شاخص‌ساز بود که به صورت سه‌ماهه و مبتنی بر قیمت اروپایی انواعی از فرآورده‌های نفتی تعیین می‌شد. همچنین امکان بازنگری قیمت در بند تجدیدنظر در قیمت پیش‌بینی شده بود. مضمون کلی این بند بدین شرح بود که در صورتی که اوضاع و احوال اقتصادی اسپانیا به نحوی خارج از کنترل و غیرقابل پیش‌بینی نسبت به زمان انعقاد قرارداد یا پس از آخرین بازنگری قیمت، دچار تغییر اساسی شود، به گونه‌ای که قیمت قراردادی دیگر بازتاب‌دهنده ارزش ال‌ان‌جی در بازار نهایی مصرف نباشد،

184. Arbitration Journal, The Naftogaz-Gazprom Saga, Debunking Myths About The Arbitration Award <https://journal.arbitration.ru/analytics/the-naftogaz-gazprom-saga-debunking-myths-about-the-arbitration-awards/>; see also: <https://jusmundi.com/fr/document/decision/en-national-joint-stock-company-naftogaz-of-ukraine-v-public-joint-stock-company-gazprom-final-award-friday-22nd-december-2017>

برای مطالعه بیشتر، ن. ک: دهقان، همان، ۲۰۱-۲۳۴.

هر یک از طرفین می‌تواند با ارسال درخواست کتبی همراه با اطلاعات مؤید ضرورت بازنگری قیمت، درخواست مذاکره جهت توافق بر سر بازنگری عادلانه و منصفانه قیمت را مطرح کند. در روند این بازنگری باید روند و سطوح قیمتی عرضه‌های ال‌ان‌جی و گاز طبیعی تحت قراردادهای متعارف و معتبر از نظر شرایط تجاری و مدت اعتبار باید مدنظر قرار گیرد. همچنین ویژگی‌های خاص این عرضه‌ها، از جمله کمیت، کیفیت، وقفه‌ها، انعطاف‌پذیری در تحویل، و مدت عرضه لحاظ شود.

نهایتاً قیمت بازنگری شده، در هر صورت باید به گونه‌ای تعیین شود که خریدار بتواند ال‌ان‌جی عرضه‌شده را در رقابت با سایر منابع انرژی (از جمله گاز طبیعی، نفت کوره، گازوئیل، ال‌پی‌جی، زغال سنگ و برق) در محل مصرف در بازار خریدار به فروش برساند. در این راستا کلیه اقدامات عملیاتی متعارف، هزینه‌ها و ریسک‌های معمول در صنعت گاز طبیعی در تمام بخش‌های بازار، از نقاط وارداتی تا بازاریابی و همچنین شرایط حاکم بر ال‌ان‌جی عرضه‌شده (از جمله نقطه تحویل، کیفیت، استمرار و انعطاف‌پذیری در تحویل و مدت تحویل) باید در نظر گرفته شود. با این فرض که بازاریابی به نحو مطلوب و صحیح انجام شود، قیمت قراردادی باید به گونه‌ای باشد که خریدار بتواند به نرخ بازدهی معقولی در خصوص ال‌ان‌جی تحویلی تحت قرارداد دست یابد. ضمناً پیش‌بینی شده بود که در صورت عدم حصول توافق، ظرف مدت شش ماه از تاریخ اعلام درخواست تجدیدنظر در قیمت، هر یک از طرفین می‌تواند موضوع را برای تصمیم‌گیری، مطابق با معیارهای پیش‌بینی شده در این بند، به داوری ارجاع کند.^{۱۸۵}

پس از انعقاد قرارداد، آزادسازی گسترده‌ای در بازار گاز طبیعی اسپانیا رخ داد که به کاهش قیمت گاز در اسپانیا انجامید. هم‌زمان، بازار نیوانگلند، جذابیت بیشتری یافت و گس نچرال از اکتبر ۲۰۰۲ فروش ال‌ان‌جی در اسپانیا را متوقف و با انعقاد قرارداد بلندمدت، تمامی محمولات خود را به نیوانگلند فروخت. بر این اساس، شرکت آتلانتیک با این استدلال که قرارداد بر مبنای تحویل به اسپانیا و در نتیجه، مبتنی بر قیمت‌های بازار اسپانیا و قیمت سوخت‌های رقیب در آن بازار منعقد شده بود، طی اعلامیه‌ای کتبی به گس نچرال اعلام کرد که بازنگری قیمت بر اساس شرایط تحویل واقعی در نیوانگلند، ضروری است. با توجه به عدم حصول توافق بر سر قیمت جدید، شرکت آتلانتیک در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۵ موضوع را به داوری ارجاع کند.

دیوان داوری ضمن احراز صلاحیت خود و تحقق معیار محرک، اقدام به بازنگری ساختاری در فرمول قیمت کرد. دیوان با این استدلال که فرمول قیمت باید مبتنی بر بازار نهایی مصرف باشد، اعلام کرد که فرمول قیمت باید شامل یک عامل تعدیلی مرتبط با بازار نیوانگلند نیز باشد و بر این اساس، یک فرمول قیمت‌گذاری دوبخشی طراحی کرد. دیوان ضمن حفظ فرمول مبتنی بر بازار

185. 2008. "Atlantic LNG Company of Trinidad and Tobago v. Gas Natural Aprovevisionamientos SDG, S.A." jsumundi. 1 17. Accessed 12 27, 2024. <https://jsumundi.com/en/document/decision/en-atlantic-lng-company-of-trinidad>

اسپانیا (با تغییر قیمت پایه آن، متناسب با شرایط جدید در اسپانیا)، ساختاری مستقل برای مقادیر فروخته شده در بازار نیوانگلند به فرمول افزود. این تصمیم در واقع خلاف خواست هر دو طرف بود؛ از دیدگاه گس نچرال، فرمول قیمت مبتنی بر بازار اسپانیا باید کماکان اعمال می شد، در حالی که آتلانتیک خواهان اعمال فرمولی صرفاً مبتنی بر بازار نیوانگلند بود. شرکت آتلانتیک از چند جنبه رأی داوری را در دادگاه نیویورک به چالش کشید. نخست آنکه معتقد بود دیوان با تغییر ساختاری قیمت، فراتر از صلاحیت^{۱۸۶} خود اقدام کرده است. دوم، بر این باور بود که پیش شرطهای لازم^{۱۸۷} برای تحقق معیار محرک بازنگری قیمت در خصوص بازار اسپانیا و کاهش قیمت پایه محقق نشده است، چرا که آزادسازی بازار قابل پیش بینی بوده است. سوم، استدلال می کرد که تغییر ساختار قیمت،^{۱۸۸} منجر به تغییر معامله اولیه طرفین شده و در نتیجه ماهیت قرارداد تغییر یافته است. نهایتاً به عنوان ایراد چهارم، مدعی بود که روند رسیدگی^{۱۸۹} به درستی طی نشده است. در نهایت، رأی داوری تأیید و مقرر شد که بر اساس بند تجدیدنظر در قیمت قرارداد، در اصل، دامنه اختیارات داوران در تغییر قیمت به طور صریح محدود نشده است.^{۱۹۰}

۳-۶. قرارداد خرید و فروش گاز طبیعی بین شرکت اسو و شرکت ای.اس.بی (۱۹۹۷)

مضمون کلی بند مربوطه بدین ترتیب است که چنانچه با روشی معقول و با حسن نیت اثبات شود که در زمان ارائه درخواست بازبینی قیمت، قیمت محاسبه شده در قرارداد، برابر با ۸۵ درصد شاخص مقایسه گر یا کمتر از آن است، قیمت قرارداد بازنگری می شود. به عبارت دیگر، چنانچه هزینه انرژی، دست کم ۱۵ درصد یا بیشتر دچار انحراف از قیمت مقیاس شده باشد، امکان ارائه درخواست بازبینی قیمت وجود دارد. شاخص مقایسه گر در این بند به عنوان قیمت گاز در بازار، در روز ارائه درخواست بازنگری قیمت برای تحویل گاز با شرایطی مشابه این قرارداد تعریف شده است. افزون بر آن، پیش بینی شده است که هر یک از طرفین، صرفاً چهار بار در طول مدت قرارداد از حق ارائه چنین درخواستی برخوردارند. طرفی که خواهان بازبینی قیمت است، موظف است اخطاریه ای تنظیم کند که در آن قیمت پایه انرژی مورد درخواست را ذکر کند. همچنین باید توضیح معقول و مفصلی درباره نحوه محاسبه و چگونگی دستیابی به این رقم ارائه دهد و تمامی اطلاعات منتشر شده و سایر اطلاعات غیرمحرمانه مورد استناد خود را نیز برای پشتیبانی از موضع خود ارائه دهد. پس از تسلیم اخطاریه بازنگری قیمت، طرفین باید وارد مذاکره شوند و در صورتی که ظرف ۹۰ روز،

186. Excess of Power

187. Condition Precedent

188. Pricing Scheme

189. Due Process

190. Mark Levy. Gas Price Arbitration; a Practical Handbook. 165.

توافقی حاصل نشود، طرف درخواست‌کننده باید یا خطاریه را مسترد نماید یا فرایند داوری را جهت تعیین مقیاس و به تبع آن، تعدیل قیمت آغاز کند.

در تاریخ ۱ نوامبر ۲۰۰۲، شرکت /سو، با استناد به بند قراردادی، خطاریه بازنگری قیمت خود را به /ای/اس/بی ارسال و اعلام کرد که پس از بررسی منطقی و با حسن‌نیت به این نتیجه رسیده است که هزینه انرژی برابر یا کمتر از ۸۵ درصد مقیاس است. /سو در خصوص تعیین مقیاس، تأیید کرد که آن را با در نظر گرفتن سایر قراردادهای کوتاه‌مدت به‌عنوان مرجع محاسبه کرده است زیرا به دلیل محرمانه بودن، امکان دسترسی به اطلاعات مربوط به سایر قراردادهای فروش بلندمدت گاز که مشابه قرارداد فی‌مابین باشد، برای وی وجود نداشت. در مقابل، /ای/اس/بی با رد خطاریه بازنگری /سو، استدلال کرد که شیوه محاسبه قیمت گاز طبیعی در بازار، همان گونه که /سو انجام داده است، با قرارداد منطبق نیست. از نظر /ای/اس/بی، قرارداد تصریح می‌کند که مقیاس باید با ارجاع به قراردادهای فروش بلندمدت گاز و بر مبنای فروش مقادیر تقریباً مشابه، در یک دوره تقریباً مشابه، با شرایط و ضوابط منطقی مشابه، میان طرف‌هایی که موقعیت تجاری و مالی نسبتاً مشابهی دارند، تعیین شود؛ در حالی که مقیاس مورد استفاده توسط /سو مبتنی بر قیمت بازار در خصوص قراردادهای فروش کوتاه‌مدت بود. با توجه به عدم حصول توافق میان طرفین، موضوع به داوری ارجاع شد. متعاقباً /ای/اس/بی با طرح شکایتی نزد دادگاه انگلستان، صلاحیت داوران را زیر سؤال برد. در نهایت، دادگاه انگلستان به این نتیجه رسید که خطاریه بازنگری قیمت ارسال شده از سوی /سو با مفاد قرارداد مطابقت نداشته و از این رو بی‌اعتبار است. به تبع آن، داوران نیز فاقد صلاحیت برای رسیدگی به موضوع شناخته شدند.^{۱۹۱}

۴-۶. قرارداد خرید و فروش گاز طبیعی بین شرکت ملی گاز ایران و بوتاش ترکیه^{۱۹۲}

قرارداد فروش گاز میان طرفین در سال ۱۹۹۶ برای مدت ۲۵ سال و با قیمت‌گذاری مبتنی بر

191. Mark Levy. Gas Price Arbitration; a Practical Handbook. 157-165.

۱۹۲. این بخش، ضمن حفظ ملاحظات محرمانگی، مبتنی بر تحلیل اطلاعاتی است در خصوص پرونده مربوطه که به‌صورت کلی و پراکنده در برخی دیگر از منابع نیز ارائه شده است.

See also: Heydari Roochia, Niloofar, and Nasrollah Ebrahimi. "Gas Price Arbitration in The Light of Experts' Role: A Conceptual Analysis with a Reference to Iran-Turkey Case.";

<https://www.aa.com.tr/en/economy/irans-arbitration-will-lower-gas-prices-for-turkey/519579>;

- <https://financialtribune.com/articles/energy-economy/66369/iran-clears-40-of-gas-fine-to-turkey>;

- <https://financialtribune.com/articles/energy/35610/verid>;

<https://www.shana.ir/news/277118/%D9%87%D9%85%D9%87-%D8%A7%D8%B1%DA%A9%D8%A7%D9%86-%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1-%D8%A7%D8%B2-%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87-%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%81-%DA%AF%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D8%AA%D8%B1%DA%A9%DB%8C%D9%87-%D9%85%D8%B7%D9%84%D8%B9-%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%AF>;

<https://www.pishkhan.com/news/21092>.

شاخص فرآورده‌های نفتی منعقد شد. نوع قرارداد از نوع قراردادهای مبتنی بر تعهد تحویل فروشنده (طبق مقادیر تعیینی در دوره‌های مختلف قراردادی) و تعهد برداشت خریدار (مبتنی بر برداشت مقادیر تعهدشده یا پرداخت قیمت آن بر اساس درصد تعیینی تعهد برداشت یا پرداخت) پیش‌بینی شده بود. مضمون کلی بند تجدیدنظر در قیمت بدین ترتیب است که در هر زمان، چنانچه هر یک از طرفین، ثابت کند که شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر بازار انرژی (که خارج از کنترل طرفین است) نسبت به آنچه در زمان انعقاد قرارداد به‌طور معقول انتظار می‌رفت، دچار تغییر اساسی شده و/ یا قیمت قراردادی گاز، دیگر منعکس‌کننده تحولات بازار نهایی نباشد، می‌تواند با ارسال اعلامیه کتبی، درخواست بازنگری و تعدیل قیمت را به طرف مقابل ارائه کند. در این اعلامیه، دلایل و چارچوب قیمت پیشنهادی جدید بیان می‌شود. دوره معینی نیز به‌عنوان دوره مذاکره جهت توافق بر سر قیمت جدید تعیین شده است. قیمت جدید باید با لحاظ کردن شرایط و عوامل عملیاتی و اقتصادی مؤثر بر تحویل فروشنده (از جمله شرایط مخزن)، همچنین با در نظر گرفتن شرایط و عوامل مؤثر در بازار خریدار (از جمله هزینه‌های حمل) و نیز شرایط کلی حاکم بر صنعت گاز تعیین شود. در صورت عدم حصول توافق ظرف مدت مقرر، موضوع به داوری ارجاع می‌شود. در هر شرایطی باید امکان فروش گاز عرضه‌شده به‌صورت رقابتی با اشکال جایگزین انرژی در بازار خریدار فراهم باشد. تعداد درخواست‌های تجدیدنظر در قیمت، در کل دوره قرارداد محدود و معین است. همچنین اولین درخواست، منوط به گذشت زمان معینی از آغاز عملیات اجرایی شده است.

الف. درخواست تجدیدنظر در قیمت توسط شرکت بوتاش

در سال ۲۰۰۵، شرکت بوتاش، نخستین بار تقاضای کاهش قیمت گاز تحویلی را مطرح کرد. در نهایت، دیوان داوری در سال ۲۰۰۹ به نفع شرکت بوتاش رأی داد و مقرر شد که از سال ۲۰۰۵ قیمت گاز تحویلی به میزان ۱۲.۵ درصد کاهش یابد. در سال ۲۰۱۲، بوتاش بار دیگر با ادعای گران بودن قیمت گاز تحویلی، دعوایی نزد دیوان داوری پیش‌بینی‌شده در قرارداد مطرح کرد. علی‌رغم درخواست شرکت بوتاش مبنی بر کاهش ۳۷ درصدی قیمت، دیوان داوری در نهایت، رأی به کاهش ۱۳.۳ درصدی قیمت صادر کرد.

ب. تحلیل پرونده (در پرتو نکات مطروحه مقاله حاضر)

با توجه به آنکه مقاله حاضر بر چهار محور اصلی تمرکز دارد، پرونده مورد بحث نیز در پرتو همین نکات بررسی می‌شود: ۱. تبیین عوامل مؤثر بر موضوعیت یافتن تجدیدنظر در قیمت، ۲. ضرورت تفکیک ارزش و قیمت گاز در زمان انعقاد قرارداد و در فرایند تعدیل قیمت، ۳. چالش‌های رایج در

فرایند تجدیدنظر در قیمت ۴. چارچوب پیشنهادی یک بند تجدیدنظر در قیمت مؤثر و کارآمد.

(۱) عوامل مؤثر بر موضوعیت یافتن تجدیدنظر در قیمت

همان گونه که پیش‌تر بیان شد، دو عامل اصلی یعنی شرط برداشت یا پرداخت و فرمول قیمت مبتنی بر نفت خام و فرآورده‌های نفتی، از عوامل مؤثر بر بروز اختلافات در خصوص تجدیدنظر در قیمت قراردادی محسوب می‌شوند که هر دو در این قرارداد وجود دارند.

(۲) ارزش گاز

در رویه معمول نهایی‌سازی قراردادهای فروش گاز در ایران، از جمله در قرارداد حاضر، به نظر قیمت از ابتدا بدون کمی‌سازی ارزش سایر شروط قراردادی (مانند ارزش انعطاف‌پذیری، سایر شروط مؤثر، خسارات، وجه التزام و شرایط قوه قاهره) تعیین می‌شود. از این رو در مرحله تعدیل قیمت نیز این موضوع در قیمت تعدیلی منعکس نمی‌شود زیرا اساساً داوران به چنین حوزه‌ای ورود نمی‌کنند.

(۳) موضوعات چالشی

همان گونه که پیش‌تر بیان شد، در فرایند تجدیدنظر در قیمت، چالش‌هایی از حیث تفسیر و نحوه اعمال مفاد بند مربوط به تجدیدنظر در قیمت، به‌ویژه در خصوص معیار محرک، مبنای تعدیل قیمت و نیز محدوده اختیارات داوران پدید می‌آید. این موارد در پرتو فرایند داوری در پرونده حاضر، به شرح زیر بررسی می‌شود.

- معیار محرک‌های بازبینی قیمت

تغییر اساسی در اوضاع و احوال حاکم بر بازار انرژی، در مقایسه با آنچه در زمان انعقاد قرارداد به‌طور معقول انتظار می‌رفت، یا وضعیتی که در آن قیمت قراردادی دیگر بازتاب‌دهنده تحولات بازار نباشد، به‌عنوان محرک‌های بازبینی قیمت در بند مربوط به تجدیدنظر پیش‌بینی شده‌اند. این محرک‌ها به‌طور کلی بیان شده‌اند و مبنا یا معیار دقیقی برای تشخیص و احراز آن‌ها در متن قرارداد ارائه نشده است؛ از همین رو تحقق و اثبات وقوع این محرک‌های کلی، از جمله محورهای اصلی اختلاف در فرایند بازبینی قیمت به شمار می‌رود.^{۱۹۳}

^{۱۹۳}. بوتاش در استناد به وقوع رویداد محرک، ضمن اشاره به بحران مالی جهانی در بازه مورد نظر و شرایط ناظر بر واردات گاز از آذربایجان، چنین استدلال کرد که به موجب قوانین جدید، وضعیت انحصاری بوتاش در بازار ترکیه برای کنترل قیمت تضعیف شده و قیمت‌های اسپات ال.ان.جی در ترکیه نیز کاهش یافته است و چنین نتیجه‌گیری کرد که به واسطه شرایط

– بازار مبنای بررسی قیمت و قراردادهای مبنای مقایسه

در بند مربوطه، اشاراتی به بازار خریدار شده است و با توجه به آنکه گاز خریداری شده در ترکیه به مصرف داخلی می‌رسد و بازصادرات آن موضوعیت ندارد، میان طرفین، اختلاف نظری در خصوص بازار مبنای بررسی وجود نداشته است. از این رو در فرایند داوری و در دفاعیات متقابل نیز بازار ترکیه به عنوان مبنای بررسی و محاسبه قیمت تعدیل شده در قرارداد، پذیرفته شده است. در خصوص قراردادهای مبنای مقایسه نیز با توجه به آنکه ترکیه در طرح ادعای اولیه خود به قیمت گاز در سایر قراردادهای وارداتی با روسیه و آذربایجان استناد کرده است، این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که مقایسه میان قراردادهای بدون لحاظ تمامی شرایط حاکم بر آنها از جمله میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز، حجم گاز و سایر شروط مؤثر قراردادی، فاقد مبنای صحیحی است. در واقع، در هر مقایسه‌ای از این دست، کلیه شرایط حاکم بر هر یک از قراردادها باید به طور جامع و دقیق مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا، شایان ذکر است که در بند مربوط به تجدیدنظر در قیمت، به طور کلی به ضرورت در نظر داشتن شرایط حاکم بر تعهدات تحویلی فروشنده در تعیین قیمت تعدیل شده اشاره شده است، که به نوعی مؤید همین ملاحظه است.

– مبنای تعدیل قیمت از منظر لحاظ کردن توازن اقتصادی اولیه قرارداد (رویکرد انقلابی یا تکاملی)

در بند مربوطه در تعیین معیار محرک، به انتظارات طرفین در زمان انعقاد قرارداد اشاره شده که به نوعی ناظر بر حفظ توازن اقتصادی اولیه قرارداد است. همچنین طرفین در فرایند داوری، علی‌رغم عدم تصریح در قرارداد، دفاعیات خود را در چارچوب حفظ توازن اقتصادی اولیه ارائه کردند. داوران نیز رأی خود را بر همین مبنا صادر کردند. در حالی که ممکن است در صورت فقدان تصریح قراردادی، خواسته یکی از طرفین و در نهایت رأی داور، به نحوی صادر شود که توازن اولیه قرارداد حفظ نشود. افزون بر آن، در بند قراردادی، معیار بازبینی منصفانه و شرط «در هر صورت» درج شده است؛ با این مضمون که در هر شرایطی امکان فروش گاز به صورت رقابتی با سایر اشکال انرژی در بازار خریدار فراهم باشد. ترکیب این دو معیار (منصفانه بودن و شرط «در هر صورت») می‌تواند محل ابهام باشد. همچنین درج چنین شرطی از این جهت دارای ملاحظاتی است که امکان فروش رقابتی علاوه بر قیمت قراردادی، مبتنی بر اراده و صلاحیت خریدار بوده و به نوعی

پیش‌گفته، معیار محرک اول که تغییر اساسی در اوضاع و احوال حاکم بر بازار انرژی است، محقق شده که دیوان داوری نیز ضمن پذیرش استدلال‌ات ارائه شده مبنی بر زوال وضعیت انحصاری و تأثیر بحران مالی و پذیرش محقق شدن معیار محرک اول، نتیجه گرفت که قیمت قرارداد در مقایسه با قیمت منابع رقیب انرژی در هر سه بخش در بازار انرژی ترکیه به طور قابل توجهی افزایش یافته است. بنابراین، معیار محرک دوم برای تجدیدنظر در قیمت نیز محقق شده است.

در اختیار خریدار قرار دارد. با توجه به اشاره بند مربوطه به امکان رقابت با سایر اشکال جایگزین انرژی، بر این اساس، درخواست طرفین، مقایسه قیمت گاز با سایر سوخت‌های رقیب بر مبنای محاسبه ارزش بازاری گاز در ترکیه (جی.ام.وی)^{۱۹۴} و مقایسه شرایط فعلی با زمان انعقاد قرارداد بوده است.^{۱۹۵}

- محدوده اختیار داوران در تعدیل قیمت

اگرچه در دو داوری پیشین، صرفاً موضوع تغییر جزء ثابت فرمول قیمت مطرح بوده است، امکان طرح درخواست ناظر بر تغییر اساسی در مبنا و شاخص قیمت‌گذاری نیز وجود داشت. در این فرض، ممکن بود نتیجه حاصله بر مبنای تصمیم و رأی داور با آنچه درخواست یا انتظار طرفین بوده است، همخوانی نداشته باشد. این مسئله نیز از جمله موضوعات چالش‌برانگیز و محل اختلاف در فرآیندهای بازنگری قیمت در قراردادهای بلندمدت گاز محسوب می‌شود.

۴) چارچوب پیشنهادی برای بند تجدیدنظر در قیمت در قرارداد احتمالی با شرکت

بوتاش

با توجه به نزدیک‌بودن پایان مدت قرارداد میان شرکت ملی گاز و شرکت بوتاش و احتمال تمدید یا انعقاد قرارداد جدید،^{۱۹۶} شایسته است که بر مبنای تجربیات به‌دست‌آمده از اجرای قرارداد فعلی، به‌ویژه اختلافات مربوط به تجدیدنظر در قیمت، بندی جامع و دقیق برای تجدیدنظر در قیمت تدوین شود. این بند باید فلسفه قیمت‌گذاری را در زمان انعقاد قرارداد و در فرآیند بازنگری قیمت به‌روشنی بیان کند، از جمله اثر سایر شروط قراردادی، شرایط حاکم بر قیمت اولیه و ارزش واقعی گاز، با تأکید بر این نکته که این ملاحظات باید در مرحله بازنگری در قیمت نیز رعایت و ملحوظ شود. همچنین باید به‌طور دقیق، معیارهای محرک، مبنای تعدیل قیمت و محدوده اختیارات داوران مشخص شود.

194. Gas Market Value

۱۹۵. در داوری اول (۲۰۰۵)، مبنای محاسبه قیمت تعدیل‌شده، ارزیابی گاز به گاز بوده است که روشی است بر مبنای ارزیابی و مقایسه قیمت گاز قراردادی با قیمت سایر قراردادهای بلندمدت گاز در کشور ترکیه با سایر طرف‌های قراردادی. در داوری دوم (۲۰۱۲) مبنای محاسبه قیمت تعدیلی، روش GMV بوده که با لحاظ‌نمودن قیمت سوخت‌های جایگزین در بخش‌های مختلف خانگی، صنعتی، برق و حمل و نقل در مقایسه با قیمت قرارداد صورت می‌پذیرد.

۱۹۶. ترکیه قراردادهای بلندمدتی با عرضه‌کنندگان مختلفی از جمله گازپروم - ایران و آذربایجان و غیره دارد که به واسطه انقضا یا در شرف انقضای بودن، در صدد بازنگری در مفاد قراردادهای خود با این کشورها است. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: محمدصادق جوکار و غلامعلی رحیمی، «تحلیل محورهای سیاست گازی ترکیه برای بازنگری قراردادهای بلندمدت گازی (اثرگذاری بر منافع انرژی ج.ا.ایران)»، نشریه مهندسی گاز/ایران، ۸، ۲ (۱۴۰۰): ۳۳-۳۸.

توضیح آنکه ملاحظات پیش گفته، عمدتاً ناظر بر قراردادهای بلندمدت مبتنی بر شاخص نفت و فرآورده‌های نفتی و متضمن تعهد برداشت یا پرداخت است. این در حالی است که روند جاری در صنعت جهانی گاز به سمت انعقاد قراردادهای کوتاه‌مدت، بدون محدودیت در مقصد، با فرمول قیمت مبتنی بر شاخص هاب و با انعطاف بیشتر در تعهد برداشت یا پرداخت حرکت می‌کند؛ تغییری که به‌طور بنیادی بر شرایط ناظر بر تجدیدنظر در قیمت یا حتی ضرورت پیش‌بینی چنین بندی، تأثیرگذار خواهد بود. این تحولات می‌تواند در مدل قراردادی جدید مورد نظر شرکت بوتاش نیز مطرح شود. از این رو با توجه به شروط نهایی مندرج در قرارداد، بند مربوط به تجدیدنظر در قیمت، باید به نحوی متناسب و هم‌راستا با چنین شروطی تنظیم شود. همچنین، گرچه در قراردادهای مبتنی بر شاخص هاب، اختلافات مربوط به بازنگری در قیمت معمولاً کم‌رنگ‌تر است، نمی‌توان به‌طور مطلق، حذف کامل این اختلافات را مفروض دانست. بر این اساس، با توجه به روند گذار در بازار جهانی گاز، از جمله در بازار اروپا، از قراردادهای مبتنی بر شاخص نفت به قراردادهای مبتنی بر شاخص هاب و با در نظر گرفتن تجارب حاصل از این فرایند، پیشنهاد می‌شود بررسی و تحلیل دقیق مفاد بند تجدیدنظر در قیمت در قراردادهایی که اخیراً مبتنی بر هاب منعقد شده‌اند و نحوه مدیریت اختلافات احتمالی در این حوزه، مبنای یک کار پژوهشی مستقل قرار گیرد؛ به نحوی که نتایج آن در تنظیم قراردادهای احتمالی آینده مبتنی بر شاخص هاب، چه در همکاری با شرکت بوتاش ترکیه و چه در قراردادهای مشابه با سایر خریداران، مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه

عموماً از منظر طرفین قرارداد، آغاز فرایندی که در آن به داورانی که غالباً دارای تخصص حقوقی هستند، اختیار داده می‌شود تا قیمت قرارداد را که حیاتی‌ترین مؤلفه تجاری در قراردادهای بلندمدت فروش گاز است بازتنظیم کنند، امری نگران‌کننده خواهد بود. با این حال، می‌توان با تعیین چارچوب دقیق برای فرایند تجدیدنظر در قیمت از طریق بندهای شفاف و ارائه راهنمایی‌های مشخص، سطح این ریسک را به‌طور محسوسی کاهش داد. در اغلب بندهای تجدیدنظر در قیمت، شرایط شکلی و ماهوی این فرایند پیش‌بینی می‌شود. با وجود این، به دلیل تفاوت‌های ساختاری در قراردادهای فروش گاز، بندی که در یک قرارداد مؤثر و مناسب است، الزاماً برای قرارداد دیگر مناسب نخواهد بود. هر قرارداد دارای ویژگی‌های تجاری خاص و درجه متفاوتی از انعطاف‌پذیری است. همچنین منافع اصلی، قدرت چانه‌زنی و مواضع طرفین و وضعیت بازار در زمان مذاکره، در هر قرارداد متفاوت است. از این رو بند تجدیدنظر در قیمت نباید جداگانه و صرفاً به شکل یک بند مستقل تدوین شود بلکه باید به‌عنوان بخشی از یک معامله جامع‌تر و در پیوند با سایر شروط

قراردادی مورد مذاکره قرار گیرد. از جمله ملاحظات مهم در این مسیر، ارزش‌گذاری صحیح قرارداد است که نه تنها در زمان انعقاد، بلکه در مرحله بازنگری قیمت نیز اهمیت دارد. قیمت اسمی قرارداد، همواره معادل قیمت واقعی آن نیست و ممکن است در نتیجه عواملی نظیر شرط کامله‌الوداد یا تهاتر قیمت با سایر هزینه‌ها (مانند هزینه انتقال)، قیمت ظاهری پایین‌تری در قرارداد درج شده باشد. نکته مهم دیگر، تأثیر شروط تجاری و میزان انعطاف‌پذیری بر قیمت قرارداد است، به گونه‌ای که در قراردادی با شرایط تجاری مناسب و انعطاف‌پذیری بالا، سطح قیمت توافقی، معمولاً بالاتر خواهد بود. توازن اقتصادی قرارداد نیز عمدتاً از طریق ترتیبات قیمت‌گذاری و فرمول قیمت از یک سو و ارزش‌گذاری (شامل انعطاف‌پذیری و ارزش تعهدات خدماتی فروشنده نظیر تأمین مستمر عرضه و کیفیت گاز) از سوی دیگر تعیین می‌شود؛ توازنی که طرفین غالباً مایل به حفظ آن در مرحله بازنگری قیمت هستند. در این راستا ارائه اطلاعاتی در خصوص فلسفه اساسی قیمت‌گذاری، عواملی که باید در قیمت جدید لحاظ شوند، ریسک‌های تخصیص‌یافته به طرفین در زمان انعقاد قرارداد، بازار مبنای تغییر قیمت و سایر اطلاعات ضروری در متن بند مربوطه می‌تواند تا حد زیادی به حفظ تعادل اقتصادی اولیه در زمان بازنگری قیمت کمک کند. از دیگر ملاحظات کلیدی، تعیین دقیق چارچوب فرایند تجدیدنظر است؛ هم از حیث الزامات شکلی (نظیر اعلامیه بازنگری قیمت و دوره مذاکره اجباری) و هم از حیث الزامات ماهوی (مانند تعیین رویداد محرک و ضابطه تعدیل قیمت). همچنین مشخص کردن حدود صلاحیت داوران، اعم از رویکرد قابل اتخاذ، دامنه تغییرات قیمت و امکان تغییر شاخص قیمت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در غیاب یک بند تجدیدنظر در قیمت کارآمد و مؤثر، ریسک بروز اختلافات و مواجهه با آرای غیرقابل پیش‌بینی به شدت افزایش خواهد یافت. با این حال، همواره باید میان انعطاف‌پذیری بند مربوطه برای پاسخگویی به شرایط پیش‌بینی‌نشده و میزان تجویزی بودن آن، تعادل مناسبی برقرار کرد. در مواردی که نگرانی از غیرقابل‌اجرا شدن بند در اثر احصای بیش از حد جزئیات وجود دارد، استفاده از عباراتی نظیر «تا آنجا که امکان‌پذیر باشد» می‌تواند تضمین کند که فرآیند مربوطه در تمامی شرایط قابلیت اجرا خواهد داشت.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. بهروزی فر، مرتضی، افشین جوان و محمدعلی حاجی میرزایی. اصول و مبانی قیمت‌گذاری گاز طبیعی و ال‌ان‌جی در بازارهای بین‌المللی. تهران: انتشارات هزاره سوم اندیشه، ۱۳۹۷.
۲. رحیمی، غلامعلی و جلال دهنوی. قیمت‌گذاری گاز در قراردادهای بین‌المللی (آزادسازی، تنوری‌ها و مکانیسم‌ها). تهران: انتشارات هزاره سوم اندیشه، ۱۳۹۵.

- مقاله

۱. باقری، محمود و صدیقه فهیمی، «بررسی وضعیت حقوقی شروط تحویل یا پرداخت در قراردادهای بلندمدت فروش گاز»، مجله حقوق بین‌المللی ۳۴، شماره ۵۷ (۱۳۹۶).
doi:https://doi.org/10.22066/cilamag.2017.27966
۲. جوکار، محمدصادق و غلامعلی رحیمی، «تحلیل محورهای سیاست گازی ترکیه برای بازنگری قراردادهای بلندمدت گازی (اثرگذاری بر منافع انرژی ج.ا.ایران)»، نشریه مهندسی گاز ایران ۸، شماره ۲ (۱۴۰۰).
https://dori.net/dor/20.1001.1.25885251.1400.8.2.4.0
۳. ساردویی نسب، محمد و پیمان آقابابایی دهکردی، «ماهیت حقوقی تعهد «دریافت یا پرداخت» و اعتبار آن در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه»، حقوق اسلامی ۱۶، شماره ۶۳ (۱۳۹۸).
https://hoquq.iiict.ac.ir/article_37635.html
۴. شجاعی، عبدالرضا و حسین سیمایی صراف و سیدمصطفی زین‌الدین، «تحول شرط بازبینی قیمت در قراردادهای خرید و فروش ال‌ان‌جی آسیا»، مطالعات حقوق انرژی ۶، شماره ۲ (۱۳۹۹).
doi:https://doi.org/10.22059/jrels.2021.310651.396
۵. قاسمی جاوید، علیرضا و عاطفه تکلیف و محمد مهدی حاجیان، «ارائه مدل بهینه‌سازی قیمت در قراردادهای صادرات گاز ایران بر مبنای تحلیل شروط انعطاف‌پذیر مقداری»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی ۱۷، شماره ۶۹ (۱۴۰۲).
http://iiesj.ir/article-1-1229-fa.html
۶. نوری یوشانلوئی، جعفر و نسیم برخی، «شرط بازنگری قیمت در قراردادهای گازی «دریافت یا پرداخت» و حل و فصل اختلافات ناشی از آن»، مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۴۹ (۱۳۹۸).
doi: 10.22059/jlq.2019.248164.1006971

- پایان‌نامه (رساله)

۱. حیدری روچی، نیلوفر. «بررسی ویژگی‌های خاص داوری‌های تعیین قیمت گاز و مقایسه آن با داوری‌های حل‌وفصل اختلافات قراردادهای بین‌المللی نفتی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران. ۱۳۹۸.
۲. دهقان، زهرا. «ارزیابی شرط بازنگری قیمت در قراردادهای فروش گاز در پرتو رویه داوری»، رساله دکتری رشته حقوق خصوصی. دانشگاه شهید بهشتی. ۱۴۰۱.

ب. انگلیسی

- Books

1. Agosti, Luis, and Boaz Moselle. "Natural Gas Price Review Arbitrations: Issues in Adopting Hub Indexation." In *Gas And LNG Price Arbitrations*, by James Freeman and Mark Levy. London: Globe Law and Business Ltd, 2020.
2. Cohen, Gina. *Long Term Gas Contracting: Terms, Definitions, Pricing, Theory and Practice*. Athens: Institute for Energy, 2019.
3. Dolea, Sorin. *Gas Price Arbitration Handbook*. Chisinau: Cartea Juridica Publishing House, 2020.
4. Griffin, Paul, and Van Eupen Frances. "The Future for Price Reviews". In *Gas Price Arbitrations: A Practical Handbook*. Globe Law and Business, 2014.
5. Levy, Mark. *Gas Price Arbitration*. London: Global Law and Business, 2014.
6. Magnusson, Annette. *The SCC Experience of Gas Disputes: Perspectives from a Leading Arbitration Centre*. Stockholm: The Arbitration Institute of the Stockholm Chamber of Commerce, 2012.
7. Mehren G., Von. "The Arbitrator's Role" In *Gas Price Arbitrations: A Practical Handbook*. London: Globe Law and Business, 2014.
8. Roberts, Peter. *Gas and LNG Sales and Transportation Agreement*. London: Sweet & Maxwell, 2014
9. Rojey, Alexandre, and Claude Jaffret. *The Palgrave Handbook Of International Energy Economics*. London: Palgrave Macmillan Cham, 2022.
10. Watkins, Morgan. *Negotiating Price Reopener Clauses N Long-Term Sales Of Natural Gas*. Wellington: Faculty of Law Victoria University of Wellington, 2017.

- Articles

1. Heydari Roochia, Nilofar, and Nasrollah Ebrahimi, "Gas Price Arbitration in The Light of Experts' Role: A Conceptual Analysis with a

- Reference to Iran–Turkey Case". *Petroleum Business Review* 3, No. 7 (2019). <https://doi.org/10.22050/pbr.2019.112867>.
2. Heydari Roochia, Niloofar, and Nasrollah Ebrahimi, "Examining Concept and Nature of Gas Price Review Clauses". *Journal of Researches Energy Law Studies*. No. 9 (2023). doi: 10.22059/jrels.2023.304901.376.
 3. Oloumi Yazdi, Hamid Reza, and Mahyar Ebrahimi, "Natural Gas Pricing and Price Review Challenges: Preparing for a More Competitive Global Market". *Petroleum Business Review* 4, No. 11 (2020). <https://doi.org/10.22050/pbr.2020.251224.1121>.
 4. Safari, Amir, Nandini Das, Oluf Langhelle, Joyashree Roy And Mohsen Assadi, "Natural Gas: A Transition Fuel For Sustainable Energy System Transformation?". *Energy Science & Engineering* 7, No. 4 (2019). <https://doi.org/10.1002/ese3.380>.
 5. Stanič, Ana, and Graham Weale. "Changes in the European Gas Market and Price Review Arbitrations." *Journal Of ENergy & Natural Resources Law* 25.
 6. Holden, Laris, Ander Loland, and Ola Lindqvist, "Valuation of Long-Term Flexible Gas Contracts". *The Journal of Derivatives* (2011).

- Online Sources

1. Arbitration journal, The Naftogas-Gazprom Saga, Debunking Myths About The Arbitration Award. <https://journal.arbitration.ru/analytics/the-naftogaz-gazprom-saga-debunking-myths-about-the-arbitration-awards/>
2. John, Sienna. The Future of Natural Gas in the World of Energy,
3. Kelley, Ryan C, and Ben Cook. *The Role of Natural Gas in the Energy Transition*. 2022. Accessed in 2025 <https://www.hennessyfunds.com/insights/energy-secthighlight-role-of-nat-gas>.
4. Lorefice, Marco. *Global Arbitration Review*. 2020. Accessed in 2024. <https://globalarbitrationreview.com/guide/the-guide-energy-arbitrations/fifth-edition/article/gas-price-review-arbitrations>.
5. P Anway, Stephen, and George M von Mehren. *Global Arbitration Review*. Accessed in 2024. <https://globalarbitrationreview.com/guide/the-guide-energy-arbitrations/fifth-edition/article/the-evolution-of-natural-gas-price-review-arbitrations>.
6. Radjai, Noradele, and Johannes Landbrecht. "Relevance of original bargain in gas price reviews" 2014. https://www.lalive.law/wp-content/uploads/2024/05/Relevance_of_original_bargain_in_gas_price_reviews.pdf.
7. Sparling, Steven, John Magnin, Peter Morton, John Gilbert, and Ania Farren. 2016. "Taming Price Review Clauses: Lessons From The Transactional And Arbitration Battlefields." *K&L Gates LLP* 1-14. <https://accounts.inoor.ir/identity/register>
8. International Energy Forum, "4 Reason Natural Gas is A Critical Part Of Energy Transition". 2021. Accessed in 2024. <https://www.ief.org/news/>

-
- 4-reasons-natural-gas-is-a-critical-part-of-the-energy-transition.
9. Financial Tribune, "Iran Clears 40% of Gas Fine to Turkey". 2017. <https://financialtribune.com/articles/energy-economy/66369/iran-clears-40-of-gas-fine-to-turkey>.
 10. Financial Tribune, "Verdict on Iran-Turkey Gas Dispute Announced". 2016. <https://financialtribune.com/articles/energy/35610/verd>.
 11. Jus Mundi, "Atlantic LNG Company of Trinidad and Tobago v. Gas Natural Aproveisionamientos SDG, S.A.". Accessed in 2024. <https://jusmundi.com/en/document/decision/en-atlantic-lng-company-of-trinidad-and-tobago-v-gas-natural-aproveisionamientos-sdg-s-a-final-award-thursday-17th-january-2008>.